

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





## نشریه علمی تحلیلی

بررسی و تحلیل محتوای رسانه‌های معاند





نشریه علمی تحلیلی کاوش

موسسه جهانی ولایت  
مدیریت علمی پژوهشی

شماره ۵

شهریورماه ۱۴۰۳

ویژه‌نامه شهادت امام حسن علیه السلام



## فهرست

مقدمه: ۸/

صلح امام حسن علیه السلام: تحلیل تاریخی و اجتماعی ۱۱/

طرح مسئله ۱۲/

چرایی پذیرش صلح ۱۴/

فلسفه و هدف امام حسن علیه السلام در پذیرش صلح ۱۶/

استراتژی امام حسن علیه السلام در باز کردن مشیت معاویه ۱۸/

تاثیر صلح امام حسن علیه السلام بر قیام عاشورا ۱۹/

تحلیل عدم تضمین‌گیری امام حسن علیه السلام در صلح با معاویه ۲۷/

هدف واقعی امام حسن علیه السلام از صلح ۲۷/

نقش صلحنامه در آشکار کردن نیت‌های معاویه ۲۸/

پیشنهاد صلح از سوی امام حسن علیه السلام یا معاویه؟ ۳۱/

فصل ۲ پاسخ به شبهات پیرامون امام حسن علیه السلام

شبهه اول: تضاد در نام‌گذاری امام حسن علیه السلام و تأثیر آن بر شخصیت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام ۳۷/

متن شبهه: ۳۸/



نوع شبهه: ۳۸/

پاسخ اجمالی / ۴۰

پاسخ تفصیلی / ۴۱

شبهه دوم: مخالفت امام حسن (علیه السلام) با جنگ‌های داخلی و عدم همراهی با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) / ۵۲

متن شبهه: / ۵۳

نوع شبهه: / ۵۳

پاسخ اجمالی / ۵۴

پاسخ تفصیلی / ۵۵

شبهه سوم: بررسی صحت شرط جانشینی در صلح‌نامه امام حسن (علیه السلام) با معاویه و نقد ادعای پیمان‌شکنی / ۶۴

متن شبهه: / ۶۵

نوع شبهه: / ۶۵

پاسخ اجمالی / ۶۶

پاسخ تفصیلی / ۶۷

کتابنامه: / ۷۶



## ❖ مقدمه:

نوشتار پیش رو حاصل تلاش‌های علمی و مباحثات کارشناسی در شبکه جهانی ولایت است که با دقت و ژرف‌نگری توسط اساتید برجسته، استاد محمدرضا جباری و استاد جواد سلیمانی امیری، به بررسی و تحلیل صلح تاریخی امام حسن مجتبی (علیه السلام) پرداخته است. این صلح‌نامه که یکی از مهم‌ترین وقایع تاریخ اسلام به شمار می‌رود، همواره مورد توجه و تأمل محققان و اندیشمندان اسلامی بوده است. در این کتاب، تلاش شده است تا با نگاهی دقیق و علمی به این واقعه، شبهات و پرسش‌هایی که پیرامون آن مطرح شده، بررسی و پاسخ داده شود.

صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام) با معاویه، یکی از پیچیده‌ترین و حساس‌ترین تصمیمات در تاریخ صدر اسلام بود که به رغم چالش‌ها و انتقادات، نقش مهمی در حفظ انسجام و بقای امت اسلامی ایفا کرد. این تصمیم شجاعانه، نه تنها به مثابه گامی در جهت جلوگیری از خونریزی و حفظ جان مسلمانان بود، بلکه تجلی بارزی از تدبیر، حکمت و دوراندیشی امام حسن (علیه السلام) به عنوان پیشوای مسلمانان به شمار می‌آید.



اهمیت این واقعه تاریخی به اندازه‌ای است که همواره به عنوان نقطه عطفی در تاریخ اسلام شناخته شده و تحلیل دقیق آن می‌تواند به فهم بهتر شرایط اجتماعی و سیاسی آن دوران کمک شایانی نماید. صلح امام حسن علیه السلام اگرچه در ظاهر به معنای عقب‌نشینی از قدرت سیاسی بود، اما در واقع زمینه‌ساز حفظ و بقای مکتب اهل بیت علیهم السلام و تقویت پایه‌های اعتقادی شیعه در دوران‌های بعدی شد.

در این مجموعه، ضمن ارائه‌ی تحلیل‌های مستند و استدلال‌های قوی در پاسخ به شبهات پیرامون صلح امام حسن مجتبی علیه السلام، تلاش شده است تا به زوایای مختلف این واقعه‌ی تاریخی پرداخته و نقش بی‌بدیل آن در تحولات بعدی تاریخ اسلام به طور کامل تبیین شود. مدیریت علمی پژوهشی مؤسسه جهانی ولایت بر تدوین این اثر نظارت داشته و تمام تلاش خود را برای ارائه‌ی محتوایی دقیق، مستند و قابل اعتماد به کار بسته است.

این نوشتار نه تنها پاسخی به شبهات تاریخی است، بلکه راهنمایی برای درک عمیق‌تر از شخصیت و جایگاه امام حسن مجتبی علیه السلام و نقش او در هدایت و حفظ امت اسلامی است. امید است که این اثر، زمینه‌ساز بحث‌های علمی بیشتر و ترویج شناخت صحیح از تاریخ اسلام و اهل بیت علیهم السلام گردد.





فصل اول

صلح امام حسن علیه السلام:

تحلیل تاریخی و  
اجتماعی

فصل اول این نوشتار، به تحلیل جامع و دقیق صلح امام حسن علیه السلام و بررسی زمینه‌های تاریخی و اجتماعی این واقعه مهم می‌پردازد. در این نوشتار، با تکیه بر منابع معتبر تاریخی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های متنوع، سعی شده است تا به عمق این مسئله پرداخته و آثار و پیامدهای آن به‌درستی واکاوی شود. با توجه به اینکه صلح امام حسن علیه السلام همچنان مورد توجه پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ اسلام قرار دارد، این اثر می‌تواند به عنوان منبعی ارزشمند برای کسانی که در پی فهم عمیق‌تر این واقعه مهم هستند، مورد استفاده قرار گیرد.

این نوشتار، مباحث مطرح‌شده را به شکلی منسجم و نظام‌مند گردآوری کرده و ارائه می‌دهد. مسیر تحلیل از طرح مسئله و بررسی زمینه‌های تاریخی آغاز می‌شود و سپس به بررسی تطبیقی شرایط تاریخی و معاصر می‌پردازد. در فصل دوم، به برخی از شبهات مطرح‌شده پیرامون صلح امام حسن علیه السلام پرداخته شده و تلاش شده است تا با استناد به منابع معتبر، این شبهات بررسی و رفع شود. در نهایت، با تحلیل نتایج و پیامدهای صلح، نشان داده می‌شود که چگونه این صلح همچنان می‌تواند برای مسلمانان و جامعه اسلامی الهام‌بخش و آموزنده باشد.

امید است که این نوشتار بتواند سهمی مؤثر در فهم بهتر صلح امام حسن علیه السلام و تأثیرات آن بر تاریخ اسلام داشته باشد و خوانندگان را به تأملی عمیق‌تر در این زمینه دعوت کند.

## ✿ طرح مسئله

در طول تاریخ، تصمیمات رهبران دینی و سیاسی همواره مورد توجه و بررسی قرار گرفته است. یکی از این تصمیمات مهم، صلح امام حسن علیه السلام با معاویه است. این تصمیم به‌ویژه در جوامع دینی به‌عنوان الگویی برای بررسی و تحلیل مسائل معاصر، از جمله رابطه با قدرت‌های جهانی، مطرح می‌شود.

## ✿ زمینه‌های تاریخی و اجتماعی

بررسی شرایط اجتماعی و سیاسی زمان امام حسن علیه السلام، برای فهم بهتر تصمیم به صلح بسیار مهم است. شناخت وضعیت جامعه اسلامی و تهدیدات موجود در آن زمان، می‌تواند به درک عمیق‌تری از این تصمیم کمک کند.

## دیدگاه‌های مختلف درباره صلح امام حسن علیه السلام

### دیدگاه‌های موافق:

گروهی از علما و تحلیل‌گران معتقدند که صلح امام حسن علیه السلام یک تصمیم حکیمانه و استراتژیک بود. این صلح با هدف حفظ مصلحت جامعه اسلامی و جلوگیری از جنگ داخلی صورت گرفت.

### دیدگاه‌های مخالف:

در مقابل، برخی مخالفان بر این باورند که صلح امام حسن علیه السلام موجب سرافکندگی شیعیان گردید. آنان به اعتراض برخی از شیعیان معاصر امام حسن علیه السلام اشاره می‌کنند که پس از صلح، احساس کردند که دشمنان با سربلندی و آنان با سرافکندگی به خانه‌های خود بازگشتند.

تحلیل تطبیقی شرایط تاریخی و معاصر

مقایسه شرایط زمان امام حسن علیه السلام با شرایط امروز، به‌ویژه در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دیپلماتیک، می‌تواند به فهم عمیق‌تری از فلسفه صلح امام حسن علیه السلام کمک کند. این بخش به تحلیل سیره اهل بیت علیهم السلام در مواجهه با دشمنان و تصمیم‌گیری‌های مشابه پرداخته و تلاش می‌کند تا ارتباط بین شرایط تاریخی و زمان معاصر را بررسی کند.

### حکمت پذیرش صلح توسط امام حسن علیه السلام

## دیدگاه امام حسن علیه السلام درباره صلح

پرسش مهمی که در ذهن بسیاری از مسلمانان و شیعیان به وجود آمده، این است که آیا امام حسن علیه السلام صلح با معاویه را مایه سرافکندگی برای خود و شیعیان می‌دانست؟ پاسخ به این سوال مثبت است؛ امام حسن علیه السلام خود نیز آگاه بود که این صلح در نگاه عمومی ممکن است به عنوان یک شکست و سرخوردگی تلقی شود. این واقعیت، در افکار عمومی آن زمان، موجب شد که جامعه اسلامی و به‌ویژه شیعیان با نوعی احساس سرافکندگی مواجه شوند.

## ✿ چراپی پذیرش صلح

حال سوال اصلی این است که چرا امام حسن (علیه السلام) با وجود آگاهی از این پیامدها، صلح را پذیرفت؟ امام (علیه السلام) فی نفسه خواهان جنگ با معاویه بود و در اصل از ادامه مبارزه با او دریغ نمی‌کرد. ایشان حتی اذعان داشتند که این صلح ممکن است در جبهه شیعه و در تاریخ به‌عنوان یک جریان شکست‌خورده تجلی یابد.

امام حسن (علیه السلام) در تبیین دلیل پذیرش صلح، به صراحت فرمودند:

«وَاللَّهِ مَا سَلَّمْتُ الْأَمْرَ إِلَيْهِ إِلَّا أَنِّي لَمْ أَجِدْ أَنْصَارًا وَلَوْ وَجِدْتُ أَنْصَارًا لَقَاتَلْتُهُ لَيْلِي وَنَهَارِي حَتَّى يَحْكَمَ اللَّهُ بَيْنِي وَبَيْنَهُ»

“به خدا قسم، امر و حکومت را به معاویه تسلیم نکردم مگر به این دلیل که یار و یآوری نیافتم. اگر یاری داشتم، شب و روز با او می‌جنگیدم تا خداوند بین ما حکم کند.”<sup>۳</sup>

## ✿ اعلام عدم ضعف در برابر دشمن

این سخن امام حسن (علیه السلام) نشان‌دهنده این است که تصمیم به صلح از سر ضعف یا ترس از دشمن نبوده است. ایشان رسماً اعلام کردند که از دشمن هراسی ندارند و اگر یارانی کافی داشتند، تا آخرین لحظه در برابر معاویه می‌جنگیدند. امام با این بیان، تاریخ را آگاه ساخت که صلح او به دلیل فقدان نیرو و عدم پشتیبانی از سوی یاران بود، نه به خاطر ضعف درونی یا ترس از دشمن.

## ❖ حکمت پذیرش صلح و نرمش قهرمانانه امام حسن (علیه السلام)

### ❖ انگیزه امام حسن (علیه السلام) برای پذیرش صلح

امام حسن (علیه السلام) به روشنی بیان کردند که هدف اصلی ایشان از پذیرش صلح با معاویه، حفظ جان شیعیان و جلوگیری از نابودی کامل آنان بود. در حدیثی آمده است که امام فرمودند:

«مَا أَرَدْتُ بِمُصَالِحَتِي إِلَّا أَنْ أَدْفَعَ عَنْكُمْ الْقَتْلَ»

”صلح با معاویه را تنها به این منظور پذیرفتم که از کشتار شما جلوگیری کنم.“<sup>۲۰</sup>

امام حسن (علیه السلام) با درک عمیق از شرایط حساس آن زمان، به این نتیجه رسیدند که ادامه جنگ با آن اقلیت شیعه، تنها منجر به نابودی کامل آنان خواهد شد. این تصمیم از سوی امام نه تنها برای حفظ شیعیان، بلکه برای حفظ اصل تشیع به عنوان اسلام ناب در تاریخ بود.

### ❖ خطر نابودی اسلام ناب

امام حسن (علیه السلام) با نگرانی از اینکه در صورت نابودی شیعیان، دیگر کسی نخواهد بود که از حقانیت اسلام ناب دفاع کند، به این نتیجه رسیدند که پذیرش صلح، حتی اگر به ظاهر سرافکندگی به همراه داشته باشد، ضروری است. ایشان به خوبی می‌دانستند که یکی از راه‌های بقای حق در تاریخ، مطالبه‌گری و تبیین حق است. اگر شیعه‌ای باقی نماند که بتواند از عدالت‌خواهی، استکبارستیزی، و اصول امامت دفاع کند، آن‌گاه این فکر و منطق نابود خواهد شد.

## ❁ نرمش قهرمانانه امام حسن علیه السلام

امام حسن علیه السلام با پذیرش صلح، به نوعی به نرمش قهرمانانه روی آوردند. این تصمیم نه از سر شکست یا ضعف، بلکه از درک عمیق ایشان از شرایط و نیاز به حفظ آینده اسلام ناب بود. امام حسن علیه السلام با درک اینکه معاویه و پیروانش به تعهدات دینی خود پایبند نخواهند بود، صلح‌نامه‌ای را تنظیم کردند که شامل تعهدات مشخصی از سوی معاویه بود. امام با این کار، می‌خواستند نشان دهند که این گروه نه تنها دشمنان واقعی اسلام ناب هستند، بلکه با نقض مکرر این تعهدات، هویت حقیقی آنان برای همگان فاش خواهد شد.

## ❁ آشکار شدن هویت واقعی معاویه

یکی از نکات کلیدی در صلح‌نامه امام حسن علیه السلام این بود که معاویه حق نداشت شیعیان را آزار دهد، حقوق خانواده‌های شهدای جنگ‌های جمل و صفین را قطع کند، و یا پس از خود برای پسرش بیعت بگیرد. امام حسن علیه السلام با آگاهی از اینکه معاویه این تعهدات را نقض خواهد کرد، به دنبال این بودند که هویت واقعی او و پیروانش را برای کسانی که هنوز گمان می‌کردند می‌توان به این‌ها اعتماد کرد، آشکار سازند. نقض مکرر این تعهدات توسط معاویه، به تدریج برای همه آشکار ساخت که این افراد در حقیقت دشمنان واقعی اسلام ناب هستند و نمی‌توان به آنان اعتماد کرد.

## ❁ معامله چند سربرد در صلح امام حسن علیه السلام

### ❁ فلسفه و هدف امام حسن علیه السلام در پذیرش صلح

امام حسن علیه السلام با درک عمیق از شرایط و نقشه‌های معاویه، صلح را به‌عنوان یک «معامله چند سربرد» برای جبهه شیعه و اسلام ناب تلقی کردند. امام به خوبی می‌دانست که معاویه به تعهدات خود پایبند نخواهد بود، اما این صلح از چند جهت به نفع شیعیان و اسلام ناب بود:

**حفظ بقای جبهه شیعه:**





اولین و مهم‌ترین دستاورد این صلح، حفظ بقای جبهه شیعیان بود. امام حسن علیه السلام از این طریق توانستند جلوی نابودی کامل شیعیان را بگیرند و این حزب وفادار به اسلام ناب را از خطر ریشه‌کنی حفظ کنند.

### بقای مکتب تشیع:

با حفظ جبهه شیعه، مکتب تشیع نیز در طول تاریخ باقی ماند و از آن محافظت شد. امام حسن علیه السلام با این حرکت، توانستند از نابودی کامل تشیع جلوگیری کرده و زمینه‌ساز بقای این مکتب در تاریخ شوند.

### بیداری جامعه:

یکی دیگر از نتایج این صلح، بیداری قشرهایی از جامعه بود که به اشتباه تصور می‌کردند صلح با معاویه می‌تواند آنان را به آسایش و سعادت برساند. اما زمانی که معاویه صلحنامه را نادیده گرفت و آشکارا اعلام کرد که تنها به دنبال فرمانروایی است و نه اجرای تعالیم اسلامی، این گروه‌ها به حقیقت پی بردند و نسبت به نیت واقعی معاویه آگاه شدند.

### نقش معاویه در تحریف خلافت

بعد از امضای صلحنامه، معاویه با بی‌اعتنایی به مفاد آن، نشان داد که هدف اصلی او تبدیل خلافت اسلامی به یک سلطنت موروثی بود. او با رد صریح مفاد صلحنامه، این واقعیت را آشکار کرد که برای او، اصول دینی و مذهبی هیچ اهمیتی نداشت و تنها به دنبال تحکیم قدرت و فرمانروایی بر مسلمانان بود. معاویه به وضوح گفت:

«إِنِّي أَنَا مَرَّ عَلَيَّكُمْ»

“من آمدم تا بر شما فرمانروایی کنم.”

این حرکت، خلافت را از جایگاه دینی و سیاسی به سلطنت تبدیل کرد، که به تعبیر مورخان نقطه‌ای از انحراف بزرگ در تاریخ اسلام بود.

## ❁ استراتژی امام حسن علیه السلام در باز کردن مشت معاویه

امام حسن علیه السلام با آگاهی کامل از نیت معاویه، این صلح را به عنوان یک تاکتیک برای آشکار ساختن چهره واقعی معاویه و جریان اموی در نظر گرفتند. ایشان می‌خواستند با این نرمش قهرمانانه، به معاویه فرصتی دهند تا خود را فاش کند و نشان دهد که حتی به تعهدات ابتدایی خود نیز پایبند نیست.

این تاکتیک امام حسن علیه السلام مانند یک گُشتی‌گیر ماهر بود که به حریف فرصتی برای حمله می‌دهد، اما در نهایت با یک حرکت برگشتی، او را ضربه فنی می‌کند. جریان اموی متوجه این هدف امام نشد و پس از امضای صلحنامه، خیال کردند که کار تمام شده است. اما با گذشت زمان، جنبش شیعه در کوفه جان گرفت و درخواست‌های بسیاری برای جنگ و بازپس‌گیری حقوق آنان مطرح شد؛ در حالی که این درخواست‌ها پیش از آن مطرح نمی‌شد.

امام حسن علیه السلام در توضیح منطق خود فرمودند:

«لما رأيت الناس تركوا ذلك إلا أهله خشيت أن تجتثوا عن وجه الأرض فاردت أن يكون للدين في الأرض ناعى»

“وقتی دیدم مردم جنگ را رها کردند مگر عده‌ای اندک، ترسیدم که این اندک نیز از روی زمین ریشه‌کن شوند. من اراده کردم که برای دین، فریادزنی باشد که از دین دم بزند.”<sup>۳</sup>

## ❁ نتایج و دستاوردهای صلح امام حسن علیه السلام

### ❁ برداشت اولیه از صلح امام حسن علیه السلام

در نگاه نخست، از منظر تماشاگرانی که شاهد این واقعه بودند، صلح امام حسن علیه السلام ممکن است به عنوان یک شکست و حتی نوعی ذلت تلقی شده باشد. این نگاه ابتدایی ناشی از عدم درک عمیق حکمت پشت این تصمیم بود. برای بسیاری از افرادی که آن زمان شاهد این اتفاق بودند، این صلح به معنای کوتاه آمدن و عقب‌نشینی از مبارزه تلقی می‌شد.

### ❁ حکمت عمیق پشت صلح

اما باید توجه داشت که این صلح دارای حکمتی عمیق و بسیار ارزشمند بود. امام حسن علیه السلام با این حرکت تاکتیکی، به دنبال دستیابی به چند هدف مهم بود که در طول تاریخ تأثیرات عمیقی بر بقای اسلام ناب و تشیع داشت:

## ❖ ۱. بقای جنبش شیعه:

یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این صلح، حفظ و بقای جنبش شیعه بود. این تصمیم به امام حسن علیه السلام این امکان را داد که جبهه شیعه را از خطر نابودی کامل نجات دهد و زمینه‌ای فراهم کند تا این جنبش در آینده تقویت شده و به شکوفایی برسد.

۲. بقای اسلام ناب: امام حسن علیه السلام با این صلح توانست اسلام ناب را از خطر نابودی حفظ کند. این اقدام او به حفظ تعالیم اصیل اسلامی در برابر تحریف‌های احتمالی بنی امیه کمک کرد.

۳. بیداری جامعه نسبت به فریبکاری بنی امیه: صلح امام حسن علیه السلام همچنین باعث شد که جامعه نسبت به ماهیت واقعی بنی امیه بیدار شود. بسیاری از افرادی که پیش از این تصور می‌کردند که بنی امیه تنها یک جریان سیاسی هستند و دشمنی با اسلام ندارند، پس از مشاهده نقض مکرر تعهدات از سوی معاویه، به ماهیت واقعی او پی بردند.

## ❖ تأثیر صلح امام حسن علیه السلام بر قیام عاشورا

این صلح نه تنها موجب حفظ جنبش شیعه شد، بلکه بستری فراهم کرد که قیام عاشورا در آینده به وقوع بپیوندد. مردم پس از تجربه صلح امام حسن علیه السلام و مشاهده خیانت‌های مکرر بنی امیه، به ماهیت طاغوتی حکومت آنان پی بردند. این آگاهی، زمینه‌ساز نفرت عمومی نسبت به بنی امیه شد، که در زمان قیام عاشورا به اوج خود رسید.

اگر امام حسین علیه السلام در زمان امام حسن علیه السلام قیام می‌کردند و خون او و یارانش در آن زمان ریخته می‌شد، جامعه شاید این اقدام را به عنوان لجاجت اهل بیت در برابر یک جریان سیاسی تلقی می‌کرد. اما پس از صلح امام حسن علیه السلام، ماهیت واقعی بنی امیه برای همگان آشکار شد و قیام عاشورا به عنوان یک حرکت مقدس و مشروع علیه حکومت طاغوتی بنی امیه شناخته شد.

## ❁ نفرت عمومی نسبت به بنی امیه

پس از قیام عاشورا و شهادت امام حسین علیه السلام و یارانش، نفرت عمومی نسبت به بنی امیه به شدت افزایش یافت. هرچند این نفرت پیش از آن نیز وجود داشت، اما با قیام عاشورا و ریخته شدن خون سیدالشهدا علیه السلام، به اوج خود رسید. اگر این خون در زمان امام حسن علیه السلام ریخته می‌شد، مردم ممکن بود فکر کنند که اهل بیت تنها به دنبال قدرت هستند و تفاوتی با سایر گروه‌های سیاسی ندارند. اما پس از صلح امام حسن علیه السلام، این تصور تغییر کرد و بنی امیه به عنوان دشمنان واقعی اسلام معرفی شدند.

## ❁ حکمت صلح امام حسن علیه السلام و مقایسه آن با صلح‌های دیگر در تاریخ اسلام

### ❁ فلسفه پذیرش سرافکندگی مقطعی توسط امام حسن علیه السلام

امام حسن علیه السلام با آگاهی کامل از پیامدهای احتمالی صلح، فلسفه پذیرش این سرافکندگی مقطعی را بقای اسلام و حفظ اصول تشیع دانستند. ایشان بر این باور بودند که این کوتاه آمدن موقت، در نهایت به حفظ اسلام و بقای جنبش شیعه منجر خواهد شد. امام علیه السلام این صلح را برای دستیابی به سه هدف مهم پذیرفتند:

۱. حفظ جبهه شیعه: بقای شیعیان و جلوگیری از نابودی کامل آنان در برابر بنی امیه.
  ۲. حفظ مکتب تشیع: حفظ و بقای مکتب تشیع به عنوان نماینده اسلام ناب در تاریخ.
  ۳. بیداری جامعه: آشکارسازی ماهیت واقعی بنی امیه برای جامعه و بیدار کردن کسانی که فریب وعده‌های آنان را خورده بودند.
- این اهداف نشان می‌دهد که امام حسن علیه السلام به خوبی درک کرده بودند که این سرافکندگی مقطعی می‌تواند به دستاوردهای بزرگ‌تری برای اسلام منجر شود.

## ❖ سوال درباره عزتمندی صلح و مقایسه آن با سایر صلح‌ها

یکی از سوالاتی که پس از تحلیل صلح امام حسن (علیه السلام) مطرح می‌شود این است که آیا این صلح واقعاً عزتمندانه بود یا نه؟ برخی مخالفان معتقدند که این صلح نتوانست عزت‌پایداری برای مسلمانان به ارمغان بیاورد، چرا که حکومت همچنان در دست بنی‌امیه باقی ماند و سپس به دست عباسیان و دیگر قدرت‌ها افتاد.

اما برای پاسخ به این سوال باید به مقایسه این صلح با سایر صلح‌های تاریخی در اسلام پرداخت. برای مثال، در صلح حدیبیه که توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) انجام شد، نیز امتیازاتی به قریش داده شد که در نگاه نخست، به‌عنوان یک ذلت برای مسلمانان تلقی می‌شد. در آن صلح، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پذیرفت که هر کدام از کفار مکه که مسلمان شوند، نمی‌توانند به مدینه پناهنده شوند، در حالی که اگر یک مسلمان از مدینه مرتد شود و به مکه بازگردد، مکی‌ها می‌توانند به او پناهندگی دهند.

این امتیاز به نظر برخی از مسلمانان به‌عنوان یک ضعف و حتی ذلت تلقی شد و آنان اعتراض کردند:

«ذنیة فی دیننا»

“چرا یک چیز پست و ننگین را وارد دین ما کردی؟”

اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) حکمت پشت این تصمیم را برای آنان آشکار نکردند، زیرا در آن زمان مردم قادر به درک آن نبودند. این صلح در نهایت باعث شد که قریش نتواند قبایل دیگر را از پیوستن به اسلام بازدارد و به تدریج قبایل یکی پس از دیگری به اسلام پیوستند. نتیجه این صلح، افزایش تصاعدی تعداد مسلمانان بود، به طوری که در زمانی کوتاه، مسلمانان توانستند بدون جنگ مکه را فتح کنند و به یک عزت بزرگ سیاسی و نظامی دست یابند.

## ❁ تفاوت‌های اساسی بین صلح‌ها

حکمت صلح در هر دوره‌ای ممکن است متفاوت باشد. صلح حدیبیه به‌عنوان یک صلح استراتژیک با هدف افزایش قدرت و تعداد مسلمانان انجام شد، در حالی که صلح امام حسن (علیه السلام) بیشتر با هدف حفظ بقای اسلام و جلوگیری از نابودی جبهه شیعه و تشیع بود. هر دوی این صلح‌ها در نگاه نخست ممکن است به‌عنوان یک عقب‌نشینی تلقی شوند، اما در نهایت هر کدام به نوعی عزت و دستاورد برای اسلام به ارمغان آوردند.

## ❁ عزت معنوی امت اسلامی در پی صلح امام حسن (علیه السلام)

### ❁ دوگفتمان متضاد: دنیاگرایی و آخرت‌گرایی

صلح امام حسن (علیه السلام) در مقطع تاریخی مهمی رخ داد که دو گفتمان متضاد در جامعه اسلامی به شدت با یکدیگر درگیر بودند. از یک سو، گفتمان دنیاگرایی که توسط بنی امیه نمایندگی می‌شد، اسلامی را دنبال می‌کرد که صرفاً به‌عنوان ابزاری برای دستیابی به قدرت و ثروت استفاده می‌شد. از سوی دیگر، گفتمان آخرت‌گرایی وجود داشت که به دنبال اسلام ناب و معنویتی خالص بود. این دو منطق، از قبل از صلح حدیبیه تا جنگ صفین و نهایتاً در صلح امام حسن (علیه السلام)، درگیری‌های متعددی را پشت سر گذاشتند.

### ❁ ایجاد زمینه بیداری امت اسلامی

اگرچه صلح امام حسن (علیه السلام) به ظاهر نتوانست حکومت سیاسی و نظامی را در دست اهل بیت قرار دهد، اما این صلح بستر مهمی برای بیداری امت اسلامی فراهم کرد. جامعه اسلامی پس از این صلح، آماده شد تا پیام خون یک جنبش شهادت‌طلبانه را دریافت کند. صلح امام حسن (علیه السلام) زمینه‌ای ایجاد کرد که دل‌های مردم آماده پذیرش حقیقت و عدالت شد، حتی اگر این حقیقت در قالب یک قیام شهادت‌طلبانه مانند عاشورا به وقوع بپیوندد.

## ❖ تأثیرات قیام عاشورا بر امت اسلامی

پس از صلح امام حسن علیه السلام، تا زمان قیام عاشورا، ظرفیت معنوی جامعه اسلامی به تدریج تقویت شد. قیام عاشورا دل‌های مردم را بیدار کرد و آنان را با حقیقت مظلومیت اهل بیت با آشنا ساخت. این بیداری از همان عصر روز عاشورا آغاز شد، زمانی که شک و تردید در دل برخی از سپاهیان عمر سعد ایجاد شد که آیا کسی که چنین شخصیتی مانند سیدالشهدا علیه السلام را به قتل رسانده، سرانجامی جز ذلت و جهنم خواهد داشت؟

هنگامی که حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در کنار قتلگاه، با ناله و اندوه خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«وَأَمَّحَمَّدَاهُ وَاجِدَاهُ هَذَا حُسَيْنٌ مُرْمَلٌ بِالِدِّمَاءِ...»

“ای محمد! ای پدر بزرگ! این حسین است که به خون آغشته شده است...”<sup>۴</sup> این سخنان چنان تأثیرگذار بود که «أَبَكْتَ وَاللَّهِ كُلُّ عَدُوٍّ وَصَدِيقٍ»؛ یعنی، به خدا قسم هر دشمن و دوستی را به گریه انداخت. حتی دشمنان نیز نتوانستند جلوی اشک خود را بگیرند.

## ❖ تأثیر سخنان حضرت زینب علیها السلام

وقتی کاروان اسرا وارد کوفه شد، سخنان حضرت زینب سلام‌الله‌علیها چنان تأثیری داشت که باران اشک از چهره‌ها جاری شد. این سخنان مجلس عبیدالله بن زیاد و سپس مجلس شام را منقلب کرد. یزید، که از نفرت عمومی و اثرات قیام عاشورا آگاه شد، تلاش کرد خود را از کشتن حسین بن علی علیه السلام تبری جوید و گفت که این کار به دستور او نبوده است، بلکه عبیدالله بن زیاد سرخود عمل کرده است.

یزید اهل بیت را با احترام به مدینه بازگرداند و مردم مدینه نیز نادم و پشیمان از بی‌حمایتی از امام حسین علیه السلام، بیرون آمدند. تنها چهل روز پس از قیام عاشورا، امت اسلامی به چنان بیداری و ظرفیتی دست یافت که به مظلومیت

امام حسین علیه السلام گریست و از عدم حمایت از او اظهار ندامت کرد. این جریان نشان داد که صلح امام حسن علیه السلام، هرچند به ظاهر یک عقب‌نشینی بود، اما به عزت معنوی امت اسلامی منجر شد و زمینه را برای بیداری و قیام عاشورا فراهم کرد.

## ❁ تأثیر صلح امام حسن علیه السلام بر قیام عاشورا و بیداری امت اسلامی

### ❁ زمینه‌سازی صلح امام حسن علیه السلام برای قیام عاشورا

صلح امام حسن علیه السلام نه تنها موجب حفظ بقای تشیع و جنبش شیعه شد، بلکه زمینه‌ای را فراهم کرد که قیام عاشورا در آن می‌توانست به‌طور موثر و پربار به ثمر برسد. این صلح مانند شخم زدن یک سرزمین بود که با آماده‌سازی آن، بذر قیام امام حسین علیه السلام کاشته شد و به بار نشست. امام حسن علیه السلام با این صلح، جامعه‌ای را آماده کرد که وقتی قیام عاشورا در آن انجام شد، باعث بیداری معنوی و شناختی در میان مردم گردید.

### ❁ بیداری بصیرت معنوی و تحول جامعه

نتیجه قیام عاشورا در سرزمینی که توسط صلح امام حسن علیه السلام آماده شده بود، بیداری بصیرت معنوی و شناختی مردم بود. جامعه اسلامی به تدریج فهمید که جریان امویان، جریانی ظالم و منحرف است و اسلام حقیقی در دست اهل بیت b است. این بیداری به حدی بود که مردم دریافتند اسلام اموی، اسلامی قلابی است و نمی‌تواند نجات‌بخش آنان در روز قیامت باشد. به دنبال این تحول، محبت اهل بیت b در دل‌های مردم ریشه دواند و تعداد شیعیان به‌طور قابل توجهی افزایش یافت.

### ❁ افزایش محبوبیت اهل بیت b و کاهش نفوذ امویان

پس از قیام عاشورا و بیداری مردم، محبوبیت اهل بیت b در میان مردم به‌طور چشمگیری افزایش یافت. این محبوبیت به‌گونه‌ای بود که حتی برخی از اهل سنت، که پیش‌تر با اسلام امویان انس گرفته بودند، به مبارزه با امویان پرداختند. نمونه بارز این تحولات، قیام عبدالرحمن بن اشعث و قیام مردم



مدینه علیه امویان بود.

این محبوبیت و نفوذ معنوی اهل بیت b، به تدریج امویان را از درون ضعیف کرد. جامعه شناسان معتقدند که قدرتمندترین چهره‌ها در جامعه کسانی هستند که محبوبیت در دل‌های مردم دارند، نه الزاماً قدرت نظامی، سیاسی یا اقتصادی. این قدرت معنوی، که از دل‌ها برخاسته و به رفتارهای اجتماعی تبدیل می‌شود، گاهی در تاریخ به صورت یک انقلاب علیه جریان باطل ظهور می‌کند.

### ✿ نقش قلب در تغییر رفتار جامعه

محبت اهل بیت b به تدریج از ساحت ذهن به ساحت قلب مردم منتقل شد و به عامل محرکی برای رفتارهای خاص در جامعه تبدیل شد. هنگامی که جریان حق، یعنی اهل بیت b، سلطان قلب‌های مردم شد، حتی اگر صاحبان زر و زور و تزویر تلاش می‌کردند رفتار جامعه را با ترس و استبداد کنترل کنند، این نفرت درونی مردم نسبت به آنها باعث می‌شد که جامعه به سمت انقلاب و تغییر حرکت کند.

این بیداری و نفرت درونی، در زمان‌های مختلف به دلایل گوناگون ممکن است به صورت خاموش باقی بماند؛ به دلیل فشارهای اقتصادی، حفظ آبرو، یا حفظ جان. اما زمانی که شرایط مناسب فراهم شود، این بیداری می‌تواند به صورت یک جنبش یا انقلاب بزرگ علیه ظلم و ستم حاکمان ظاهر شود.

### ✿ تأثیر صلح امام حسن علیه السلام بر آینده تشیع و عزت امت اسلامی

#### ✿ تحول در گرایش‌های درونی مردم به سمت اهل بیت

صلح امام حسن علیه السلام، با ایجاد زمینه‌ای برای بیداری معنوی و شناختی، موجب شد که مردم به سمت اهل بیت b گرایش پیدا کنند. این گرایش عمیق، در طول زمان خود را به شکل‌های مختلف نشان داد. به عنوان مثال، پس از قیام عاشورا، در زمان امام صادق علیه السلام، مجلس درس ایشان در مدینه به‌طور مداوم با حضور هزاران نفر برگزار می‌شد. همچنین، وقتی امام رضا علیه السلام به سمت مرو حرکت کرد، هزاران نفر با قلم‌های خود حدیث سلسله الذهب را یادداشت

کردند. این رویدادها نشان‌دهنده نفوذ عمیق اهل بیت b در دل‌های مردم بود.

## ❖ تأثیر قیام عاشورا و ارتباط آن با صلح امام حسن علیه السلام

یکی از پیامدهای مهم صلح امام حسن علیه السلام این بود که زمینه‌ساز تأثیرگذاری قیام عاشورا شد. شعارهای قیام‌های مختلف پس از عاشورا، مانند «الرضا من آل محمد»، نشان از این داشت که قیام عاشورا، که در سرزمینی آماده شده توسط صلح امام حسن علیه السلام به وقوع پیوست، توانست جامعه را به سمت اهل بیت b هدایت کند. بنابراین، صلح امام حسن علیه السلام نه تنها در کوتاه‌مدت بلکه در درازمدت عزت‌آفرین بود.

## ❖ بررسی مسئله تضمین در صلح امام حسن علیه السلام

### ❖ پاسخ به شبهه: آیا امام حسن علیه السلام در صلحنامه خود از معاویه تضمینی گرفت؟

#### بررسی مفهوم تضمین

تضمین به معنای آن است که هر کدام از طرفین قرارداد، در صورت عمل نکردن به تعهدات خود، موظف به پرداخت خسارت یا تحمل مجازاتی مشخص باشند. در قراردادهای روزمره نیز، این اصل به کار می‌رود. در تاریخ هیچ مدرکی وجود ندارد که نشان دهد امام حسن علیه السلام تضمینی از معاویه گرفته باشد. دلیل اصلی این مسئله این است که امام حسن علیه السلام در شرایطی نبود که بتواند از معاویه تضمین بگیرد.

صلح امام حسن علیه السلام در وضعیتی اتفاق افتاد که امام تنها با تعداد کمی از شیعیان خالص خود همراه بود. بسیاری از فرماندهان و مردم از مسیر اسلام ناب فاصله گرفته بودند و به مسیرهای انحرافی گرایش پیدا کرده بودند. برخی از فرماندهان امام حسن علیه السلام خیانت کردند و بخش زیادی از مردم نیز اهل سکوت شده و از جنگ حمایت نکردند.

حکومت امام حسن علیه السلام به طور عمده متکی بر همین تعداد اندک شیعیان خالص بود که تعدادشان بسیار کمتر از آن چیزی بود که تصور می‌شود. در

چنین شرایطی، آیا امام حسن علیه السلام اصلاً قدرت تضمین گرفتن داشت؟ تضمین زمانی معنا پیدا می‌کند که طرفین قدرت و امکانات لازم برای اعمال فشار و کنترل بر یکدیگر را داشته باشند.

به عبارت دیگر، آیا امام می‌توانست به معاویه بگوید که در صورت عمل نکردن به تعهدات، حکومت او ساقط خواهد شد و امام باید روی کار بیاید؟ این امکان واقع‌بینانه نبود چرا که حضرت به لحاظ مادی و نیز قدرت نظامی در مزیقه بود و امکانی برای تحت فشار قرار دادن طرف مقابل برای گرفتن تضمین وجود نداشت.

## ✽ تحلیل عدم تضمین‌گیری امام حسن علیه السلام در صلح با معاویه

### ✽ هدف واقعی امام حسن علیه السلام از صلح

فلسفه صلح امام این نبود که تضمین‌های واقعی و اجرایی از معاویه بگیرد. بلکه هدف این بود که به جامعه نشان دهد که معاویه یک عنصر بدعهد است و به تعهدات خود پایبند نخواهد بود. امام حسن علیه السلام با آگاهی کامل از نیت معاویه، مواد صلحنامه را به گونه‌ای تنظیم کرد که می‌دانست معاویه آنها را نقض خواهد کرد.

این حرکت امام حسن علیه السلام یک پیام مهم برای شیعیان و عموم مسلمانان داشت: اینکه به معاویه اعتماد نکنند و بدانند که او به عهد خود وفا نخواهد کرد. امام حسن علیه السلام از این طریق سعی داشت اعتماد مردم به معاویه را از بین ببرد و نشان دهد که معاویه هیچ‌گاه به تعهدات خود عمل نخواهد کرد.

## ❖ نقش صلحنامه در آشکار کردن نیت‌های معاویه

صلحنامه امام حسن علیه السلام به گونه‌ای تنظیم شده بود که معاویه با نقض مکرر آن، ماهیت واقعی خود را آشکار کند. این امر موجب شد که حتی کسانی که به معاویه اعتماد داشتند، به مرور زمان به حقیقت پی ببرند و دریابند که معاویه هیچ‌گاه به دنبال منافع عمومی و اسلامی نبوده است. در واقع، امام حسن علیه السلام با این صلح و بدون تضمین‌گیری، توانست نیت‌های پنهان معاویه را برای همگان آشکار سازد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که عدم تضمین‌گیری امام حسن علیه السلام نه به دلیل بی‌توجهی به اهمیت این موضوع، بلکه به دلیل فقدان امکانات و قدرت لازم برای اعمال تضمین بوده است. امام حسن علیه السلام با درایت و حکمت خود، از این محدودیت به عنوان ابزاری برای آشکارسازی ماهیت واقعی معاویه استفاده کرد و نشان داد که این صلح، هرچند بدون تضمین‌های اجرایی، یک ابزار مهم برای بیداری و آگاهی‌بخشی به جامعه بود.

## ❖ تحلیل استراتژی صلح امام حسن علیه السلام و آثار آن

### ❖ انتخاب بهترین گزینه در زمان محدود

در شرایطی که امام حسن علیه السلام با آن مواجه بود، صلح بهترین گزینه ممکن بود. این صلح نه تنها به امام و شیعیان امکان بقای بیشتر داد، بلکه مانع از وقوع یک فاجعه بزرگ‌تر شد که می‌توانست به نابودی کامل مکتب تشیع و اسلام ناب منجر شود.

## ❖ پیامدهای احتمالی رد صلح

اگر امام حسن علیه السلام تصمیم می‌گرفت که صلح را نپذیرد و بر جنگ اصرار ورزد، پیامدهای آن چه می‌توانست باشد؟

## ❖ حمله نظامی معاویه:

در صورت رد صلح، معاویه به احتمال زیاد یک حمله نظامی گسترده را علیه شیعیان ترتیب می‌داد. نتیجه این حمله، قلع و قمع کامل شیعیان و حتی شهادت امام حسن علیه السلام می‌بود.

## ❖ نابودی تشیع و اسلام ناب:

با نابودی شیعیان، مکتب تشیع که نماینده اسلام ناب محمدی بود، به طور کامل از بین می‌رفت. این وضعیت می‌توانست سرنوشت اسلام را به مشابه سرنوشت ادیانی مانند مسیحیت و یهودیت که دچار تحریف شده‌اند، تبدیل کند و نام و نشانی از اسلام ناب محمدی باقی نمی‌ماند.

## ❖ محدودیت‌های امنیتی:

معاویه می‌دانست که اگر با زور به کوفه و دیگر مناطق اسلامی مسلط شود، باید این سرزمین‌ها را با زور و سرکوب نگه دارد. این وضعیت نه تنها برای او پرهزینه و خطرناک بود، بلکه باعث برافروختن کینه‌های قدیمی بین کوفیان و شامیان می‌شد. از آنجایی که رقابت سنگینی بین کوفه و شام وجود داشت، معاویه می‌خواست از ایجاد یک جنگ داخلی و افزایش نفرت‌ها جلوگیری کند.

## ❖ وجود ارتش شیعه در کوفه:

در کوفه، شیعیان زیادی حضور داشتند و معاویه نمی‌خواست با سرکوب نظامی آنان، در آینده با واکنش‌های منفی مواجه شود. این خطر وجود داشت که اگر شیعیان کوفه را به زور تسخیر کنند، این افراد در آینده به طور حتم عکس‌العمل منفی نشان دهند و علیه حکومت او شورش کنند.

## ❖ تفاوت شرایط زمانی

شرایط زمان امام حسن (علیه السلام) بسیار حساس بود. نظر امام بر ادامه جنگ و مقاومت بود اما حضرت با لشکری نامنسجم و ناتوان مواجه بود که دچار تفرقه و نفاق و سستی در جنگ شده بودند خصوصاً با خیانتی که برخی فرماندهان انجام دادند و به معاویه پیوستند و امام نمی‌توانست به طور موثر با معاویه مقابله کند و حتی در میان لشکر خود نیز از امنیت کامل برخوردار نبود و به همین جهت مورد آسیب جسمی قرار گرفت و مجروح شد. جامعه آن عصر مقاوم نبود و اهل وادادگی بود و تمایلی به مقاومت و مبارزه و ادامه جنگ تا رسیدن به نقطه پیروزی نداشت و دنبال آسوده خواهی بود؛ بنابراین نباید گمان کرد که امام علیه السلام صلح را تنها به عنوان یک خواست عمومی

و نظر اکثریت و به عنوان یک امر مطلوب فی ذاته پذیرفته باشد بلکه شرایط موجود این صلح را بر امام تحمیل و حضرت مجبور به پذیرش آن و تغییر نظر خود از جنگ به صلح شد، صلحی که از اکراه و از روی مصلحت و در شرایط غیر عادی بود و زیربنایی از حکمت و عقلانیت داشت والا جنگ در چنین شرایطی یعنی شکست حتمی و از دست دادن همین تعداد نیرو پشتیبان و نباید از آن استنباط کرد که همیشه سازش با دشمن اولین و بهترین راه باشد. پیچیدگی دوران و شرایط امام حسن مجتبی علیه السلام که او را مجبور به پذیرش صلح کرد به حدی بود که حتی برخی خواص هم از درک عمق آن عاجز ماندند و این صلح را مایه ذلت و ننگ برای خود دانستند.

### تأثیر القاءات و تبلیغات در جامعه

نکته مهم دیگری که باید به آن توجه داشت، تأثیر القاءات و تبلیغات نادرست بر جامعه است. در زمان امام حسن علیه السلام، جامعه تحت تأثیر تبلیغات و القاءات سوئی قرار داشت که تمایل مردم به مقاومت را کاهش داده بود. این القاءات، مردم را به سمتی سوق می داد که فکر کنند تسلیم شدن و وادادگی بهترین راه حل برای زندگی بهتر و آسوده تر است، حتی اگر به قیمت امتیاز دادن های کلان به دشمن باشد.

### نقش خواص در تحمیل صلح به امام حسن علیه السلام

نقش خواص در تحمیل صلح به امام حسن علیه السلام بسیار قابل توجه است. بدنه جامعه به تدریج به این نتیجه رسید که باید به سمت صلح با معاویه برود، اما این نتیجه گیری به شدت تحت تأثیر اقدامات وادادگی خواص بود. یکی از نخستین نمونه های این تأثیرگذاری در جنگ صفین رخ داد، زمانی که اشعث بن قیس با پیشنهاد صلح به دلیل طولانی شدن جنگ و کشته های زیاد، مسیر صلح را به جامعه القا کرد.

در جریان صلح با معاویه، عبیدالله بن عباس که فرمانده لشکر امام حسن علیه السلام بود، با گرفتن رشوه از معاویه به او پیوست و ۸۰۰۰ نفر از نیروهای تحت فرمانش نیز به همراه او به لشکر معاویه ملحق شدند. این اقدام خیانت کارانه عبیدالله بن عباس باعث شد که بخشی از لشکر امام حسن علیه السلام نیز وادار به



پیروی از او شوند و به معاویه بپیوندند.

علاوه بر این، سران قبایل در قلمرو امام حسن علیه السلام، به طور پنهانی به معاویه نامه نوشتند و از او خواستند که حمله کند. آن‌ها حتی به معاویه اطمینان دادند که در صورت حمله، امام حسن علیه السلام را دستگیر یا ترور خواهند کرد. این نامه‌ها که توسط معاویه به امام حسن علیه السلام نشان داده شد، تأثیر عمیقی بر جامعه و نیروهای امام حسن علیه السلام گذاشت. وقتی نیروهای امام حسن علیه السلام می‌دیدند که فرماندهان و سران قبایل نه تنها عزم جنگ ندارند بلکه در خفا با معاویه در ارتباط هستند، آن‌ها نیز به تدریج از مقاومت دست می‌کشیدند و واداده می‌شدند.

تحمیل صلح به امام حسن علیه السلام نتیجه‌ای از وادادگی خواص و تأثیر آنها بر بدنه جامعه بود. خواصی که به دنبال حفظ منافع خود بودند، با خیانت و ارتباطات پنهانی با معاویه، زمینه را برای تضعیف مقاومت و تحمیل صلح فراهم کردند. این خیانت‌ها و وادادگی‌ها نقش مهمی در شکل‌گیری تصمیم امام حسن علیه السلام برای پذیرش صلح ایفا کردند، هرچند که این تصمیم برای حفظ جان شیعیان و جلوگیری از یک فاجعه بزرگ‌تر اتخاذ شد.

## ❖ پیشنهاد صلح از سوی امام حسن علیه السلام یا معاویه؟

## ❖ اختلاف نظر در منابع تاریخی

یکی از سوالات مهم تاریخی این است که آیا پیشنهاد صلح از سوی امام حسن علیه السلام مطرح شد یا از سوی معاویه؟ برخی از منابع تاریخی اهل سنت، مانند «أسد الغابة» ابن اثیر، ادعا می‌کنند که امام حسن علیه السلام فردی را نزد معاویه فرستاد و از او خواست که حکومت را به او واگذار کند:

“فأرسل إلي معاوية يبذل له تسليم الأمر إليه”

“او (امام حسن علیه السلام) فردی را نزد معاویه فرستاد و پیشنهاد کرد که امر حکومت را به او تسلیم کند.”<sup>۵</sup>

اما در مقابل، منابع شیعی این دیدگاه را رد می‌کنند.

۵ . أسد الغابة، ج ۱، ص ۴۹۱

## ❁ دیدگاه منابع شیعی

شیخ مفید در کتاب «الارشاد» بیان می‌کند که این معاویه بود که صلحنامه را پیشنهاد داد و برای امام حسن (علیه السلام) فرستاد. دیگر منابع نیز این دیدگاه را تأیید می‌کنند و اشاره دارند که معاویه حتی برگه‌ای سفید برای امام حسن (علیه السلام) فرستاد تا هرچه می‌خواهد در آن بنویسد.

«أرسل معاوية إلى الحسن عليه السلام بركة بيضاء وقال اكتب ما تشاء»

## ❁ دلایل و قرائن تاریخی

دلایل و قرائن تاریخی نیز این دیدگاه را تقویت می‌کند که پیشنهاد صلح از سوی معاویه بود. معاویه می‌خواست عراق را تحت فرمان خود درآورد، اما می‌دانست که تسخیر عراق با زور، برای او مشکلات بسیاری به همراه خواهد داشت. حفظ عراق پس از یک فتح نظامی، برای معاویه بسیار دشوارتر از تسلط بر آن از طریق یک صلح بود. این امر نشان می‌دهد که معاویه با پیشنهاد صلح، در تلاش بود تا بدون ایجاد نارضایتی و مقاومت شدید در عراق، کنترل این منطقه را به دست گیرد.

## ❁ چالش‌های معاویه در کنترل کوفه

پس از تسلط معاویه بر عراق، این منطقه همچنان به عنوان یکی از چالش‌برانگیزترین مناطق تحت کنترل او باقی ماند. حتی پس از تصرف عراق، شورش‌های متعددی در کوفه رخ دادند که نشان‌دهنده مقاومت شیعیان در برابر حاکمیت معاویه بود. یکی از این شورش‌ها در زمان حجر بن عدی اتفاق افتاد. حجر بن عدی، یکی از شیعیان برجسته، هنگامی که خطیبی در کوفه به امام علی (علیه السلام) اهانت کرد، با پرتاب سنگ به سمت او واکنش نشان داد. این واقعه نشان داد که مردم کوفه همچنان وفادار به امام علی (علیه السلام) بودند و معاویه برای کنترل این منطقه با مشکلات جدی مواجه بود.

به دلیل ناتوانی حاکمان وقت در کنترل کوفه، معاویه مجبور شد والی‌های خود را تغییر دهد. او مغیره بن شعبه را عزل کرد و زیاد بن ابیه را به عنوان والی کوفه منصوب کرد. زیاد بن ابیه با استفاده از خشونت و کشتار شدید توانست امنیت کوفه را به‌طور موقت برقرار کند.



## ❁ جمع‌بندی نهایی

صلح امام حسن مجتبی (علیه السلام)، به عنوان یکی از برجسته‌ترین تصمیمات تاریخ اسلام، نه تنها در زمان خود امام، بلکه در طول قرون متمادی، نقطه عطفی در تاریخ اسلام و تشیع به شمار می‌رود. این صلح، که در نگاه نخست ممکن است به عنوان نوعی عقب‌نشینی یا مصالحه قلمداد شود، در واقع نمایشگر عمق بصیرت و حکمت امام حسن (علیه السلام) بود؛ بصیرتی که فراتر از مصلحت‌های زودگذر، به حفظ اسلام و بقای امت اسلامی می‌اندیشید.

در این نوشتار، تلاش شد تا با نگاهی جامع و تحلیلی، ابعاد مختلف این صلح بررسی و پیامدهای آن بر جامعه اسلامی تحلیل شود. از زمینه‌های تاریخی و اجتماعی که امام حسن (علیه السلام) را به چنین تصمیمی واداشت، تا نتایج و دستاوردهایی که از این صلح به دست آمد، مورد بررسی قرار گرفت تا خواننده بتواند تصویری روشن‌تر و کامل‌تر از این واقعه تاریخی در ذهن داشته باشد.

صلح امام حسن (علیه السلام)، برخلاف برداشت‌های سطحی و نادرست، نه تنها نشانه‌ای از ضعف نبود، بلکه تجلی‌گاه قدرتی بود که در حکمت و دوراندیشی امام نهفته بود؛ قدرتی که توانست امت اسلامی را از خطرات عظیم حفظ کرده و زمینه‌ساز بیداری و آگاهی در نسل‌های بعدی شود. این صلح، همچنین به ما می‌آموزد که در مواجهه با شرایط سخت و پیچیده، گاه نرمش و تدبیر می‌تواند به مراتب کارسازتر از تقابل و جنگ باشد.

اکنون که به پایان این نوشتار رسیده‌ایم، باید اذعان کرد که صلح امام حسن (علیه السلام) همچنان به عنوان درسی مهم و اساسی برای جامعه اسلامی باقی خواهد ماند. درسی که به ما یادآور می‌شود در مسیر حفظ اصول و ارزش‌های دینی، گاه باید از برخی مسائل گذشت تا آنچه را که مهم‌تر و پایدارتر است، حفظ کنیم. امید است که این نوشتار، گامی کوچک در جهت تبیین بهتر این واقعه تاریخی و نقش آن در تداوم و بقاء اسلام برداشته باشد، و بتواند به فهم عمیق‌تر و دقیق‌تر این رویداد در میان مسلمانان و محققان کمک کند.



فصل دوم

پیرامون امام حسن  
یاسخ به شبهات

سید علی

## مقدمه: ❁

فصل دوم این نوشتار به بررسی و پاسخگویی به شبهات مطرح‌شده پیرامون شخصیت و اقدامات امام حسن علیه السلام می‌پردازد. در این بخش، علاوه بر تحلیل و رفع شبهات مرتبط با صلح امام حسن علیه السلام، به دیگر پرسش‌ها و تردیدهایی که پیرامون شخصیت و عملکرد ایشان در طول تاریخ مطرح شده است نیز توجه شده است. این فصل با بهره‌گیری از منابع معتبر تاریخی و احادیث معتبر، سعی دارد تا زوایای کمتر شناخته‌شده‌ای از شخصیت امام حسن علیه السلام را روشن ساخته و با پاسخ به این شبهات، درک بهتری از جایگاه و نقش ایشان در تاریخ اسلام ارائه دهد.

هدف از این فصل، نه تنها رفع ابهامات و پاسخگویی به انتقادات، بلکه ایجاد زمینه‌ای برای تامل و بررسی دقیق‌تر در مورد شخصیت و عملکرد امام حسن علیه السلام است. امیدواریم این فصل بتواند به عنوان مرجعی مؤثر برای پژوهشگران و علاقه‌مندان به تاریخ اسلام، فراهم آورد.

۱

## شبهه اول:

تضاد در نام‌گذاری امام حسن علیه السلام و تأثیر آن بر  
شخصیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

## ✿ متن شبهه:

مورخان و محدثان روایت کرده‌اند که هنگام تولد امام حسن (علیه السلام)، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نام او را «حرب» گذاشتند، که به معنای «جنگ» است. پس از این، پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) باخبر شدند و فرمودند: «فرزندم را به من نشان دهید». وقتی از نام او پرسیدند و پاسخ «حرب» را شنیدند، پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «بلکه او حسن است»، یعنی انسان نیکو و زیبا. بدین ترتیب، پیامبر (صلی الله علیه و آله) نام او را تغییر دادند.

## ✿ نوع شبهه: تضاد و تناقض

شبهه‌ی مربوط به نام‌گذاری امام حسن (علیه السلام) به «حرب» و تأثیر آن بر شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از نوع «تضاد و تناقض» است. این نوع شبهه به دنبال ایجاد تضاد میان شخصیت‌ها، رویدادها یا اعتقادات مختلف است تا تردید و بی‌اعتمادی نسبت به حقایق دینی و تاریخی ایجاد کند. در اینجا، چند جنبه اصلی این نوع شبهه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

### ۱. تضاد در انتخاب نام:

توضیح: این شبهه می‌کوشد نشان دهد که انتخاب نام «حرب» برای امام حسن (علیه السلام) توسط امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) با شخصیت صلح‌جویانه و زیبایی او در تضاد است. به عبارت دیگر، نامی که به معنای «جنگ» است، نمی‌تواند نمایانگر ویژگی‌های نیکو و انسانی امام حسن (علیه السلام) باشد. نتیجه: این نوع استدلال می‌تواند به تضعیف شخصیت علی (علیه السلام) و ایجاد تردید در مورد تصمیمات او منجر شود.

### ۲. تناقض در شخصیت‌های دینی:

توضیح: شبهه به دنبال نشان دادن تضاد بین شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) است. با تغییر نام «حرب» به «حسن»، پیامبر (صلی الله علیه و آله) به نوعی سعی در اصلاح تصمیم علی (علیه السلام) دارد که می‌تواند به درک نادرست از رابطه‌ی میان آن‌ها منجر شود.

نتیجه: این موضوع می‌تواند شکاف‌هایی در وحدت مسلمانان ایجاد کند و به نوعی اختلاف در تفسیر شخصیت‌های کلیدی دینی دامن بزند.

### ۳. نقد به اصول و عقاید:

توضیح: این شبهه می‌تواند به نقد اصول اعتقادی شیعه بپردازد، به خصوص با استناد به اینکه نام «حرب» به‌عنوان یک نام جنگی، ممکن است تناقضی با اصل صلح و محبت در آموزه‌های اسلامی داشته باشد. نتیجه: این نوع نقد می‌تواند به ایجاد شک و تردید در اصول اعتقادی شیعه و اعتماد به روایات دینی منجر شود.

### ۴. اختلاف در نقل‌ها و روایات:

توضیح: در این نوع شبهه، به اختلافات موجود در روایات تاریخی استناد می‌شود تا نشان داده شود که برداشت‌های مختلفی از تاریخ وجود دارد و این می‌تواند منجر به تردید در صحت روایت‌های معتبر شود. نتیجه: این موضوع می‌تواند به سردرگمی در میان مسلمانان و کاهش اعتماد به منابع تاریخی و دینی منجر گردد.

شبهه‌ی تضاد و تناقض می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای تضعیف شخصیت‌های دینی و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان مورد استفاده قرار گیرد. بررسی دقیق این شبهه و تحلیل آن به شناخت بهتر زمینه‌های تاریخی و دینی کمک می‌کند و می‌تواند به تقویت وحدت اسلامی و پاسخگویی مؤثر به این نوع شبهات منجر شود.

### ✪ تحلیل:

شبهه‌افکنان می‌کوشند نشان دهند که نام‌گذاری امام حسن (علیه السلام) با نامی به معنای «جنگ» نشان‌دهنده‌ی تضاد در شخصیت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است و از طرفی تغییر نام توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌تواند به نوعی بی‌اعتباری برای تصمیم علی (علیه السلام) تلقی شود. این استدلال می‌تواند برای زیر سؤال بردن مقام و منزلت امیرالمؤمنین (علیه السلام) مورد استفاده قرار گیرد.

### ۱. بی اعتباری سندی:

روایت‌های مطرح شده که ادعا می‌کنند امام علی علیه السلام نام «حرب» را برای فرزندانش انتخاب کرده است، از نظر سندی ضعیف و غیرقابل اعتماد هستند. بسیاری از این روایات توسط راویان ضعیف و مجهول نقل شده‌اند و از نظر علم رجال اهل سنت نیز فاقد اعتبار هستند.

### ۲. تعارض درونی روایات:

این روایات دارای تناقضات درونی هستند. برخی از روایت‌ها می‌گویند که امام علی علیه السلام نام‌های دیگری مانند «حمزه» یا «جعفر» را برای فرزندانش انتخاب کرده بود که پیامبر صلی الله علیه و آله آن‌ها را تغییر داد. این تناقضات نشان‌دهنده ضعف و جعلی بودن این روایات است.

### ۳. وجود روایات معارض:

در متون معتبر اهل سنت و شیعه، روایات معتبری وجود دارد که به صراحت نشان می‌دهند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شخصاً نام‌های «حسن» و «حسین» را برای این دو امام بزرگوار انتخاب کرده است. در این روایات هیچ اشاره‌ای به انتخاب نام «حرب» توسط امام علی علیه السلام نشده است.

### ۴. عدم تطابق با شخصیت امام علی علیه السلام:

امام علی علیه السلام به عنوان یک معصوم و یکی از مصادیق آیه تطهیر، همواره در احترام به پیامبر صلی الله علیه و آله و اطاعت از او، الگو بوده‌اند. ادعای اینکه ایشان بر خلاف میل پیامبر صلی الله علیه و آله اصرار بر نام‌گذاری «حرب» داشته باشند، با شخصیت و جایگاه ایشان کاملاً ناسازگار است.

با توجه به بی اعتباری سندی، تعارض درونی، وجود روایات معارض و عدم تطابق با شخصیت امام علی علیه السلام، این شبهه فاقد هرگونه اعتبار است و نمی‌تواند به عنوان دلیلی بر تغییر نام «حرب» توسط پیامبر صلی الله علیه و آله مورد استناد قرار گیرد. این روایات جعلی با اهداف تخریبی و غرض‌ورزانه ساخته شده‌اند.



### مقدمه

در طول تاریخ اسلام، اهل بیت پیامبر اکرم علیهم السلام همواره به عنوان نمادهای حقیقت، تقوا و شرافت شناخته شده‌اند. با این حال، برخی از مخالفان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام، به ویژه در دوران‌های حساس تاریخی، تلاش کرده‌اند تا با جعل و تحریف روایات، جایگاه این بزرگواران را در اذهان عمومی تخریب کنند. یکی از این تحریفات، روایت‌های جعلی است که ادعا می‌کند امام علی علیه السلام نام «حرب» را برای فرزندان خود انتخاب کرده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مجبور به تغییر این نام‌ها شده‌اند.

این روایات که به طور عمده در برخی منابع اهل سنت نقل شده‌اند، نه تنها با شخصیت و سیره امام علی علیه السلام سازگار نیستند، بلکه دارای تناقضات درونی و معارضات متعدد با روایات معتبر دیگر در هر دو مکتب اهل سنت و شیعه هستند. در این نوشتار، با استناد به منابع معتبر اسلامی و با تحلیل دقیق این روایات، به بررسی و پاسخگویی به این شبهه پرداخته شده است تا حقیقت موضوع روشن شود و از جایگاه والای اهل بیت علیهم السلام دفاع گردد.

### بررسی صحت روایت

این روایت، یکی از روایات مجعول و سخیف است که به امیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت داده شده است. جعل چنین روایاتی با اهداف خاصی انجام شده است که یکی از آن‌ها تلاش برای تضعیف شخصیت و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در ذهن مخاطبان است.

## ❖ نقد محتوای روایت

### ❖ این روایت از چند جهت قابل نقد و بررسی است:

۱. تناقض با شخصیت امام علی علیه السلام: امیرالمؤمنین علی علیه السلام که خود از برجسته‌ترین شخصیت‌های اسلام و از نزدیک‌ترین افراد به پیامبر صلی الله علیه و آله بود، هرگز نمی‌توانست نامی چون «حرب» (به معنای جنگ) را برای فرزندان خود انتخاب کند، به ویژه در زمانی که پیامبر صلی الله علیه و آله به شدت بر ارزش‌های صلح و محبت تأکید داشتند.

۲. عدم تطابق با سایر روایات معتبر: سایر روایات معتبر تاریخی به وضوح بیان می‌کنند که نام‌گذاری امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام توسط خود پیامبر صلی الله علیه و آله انجام شده است. این روایات در منابع شیعه و حتی بسیاری از منابع معتبر اهل سنت نیز تأیید شده‌اند و نشان می‌دهند که پیامبر صلی الله علیه و آله از ابتدا نام‌های حسن و حسین را برای این دو امام بزرگوار انتخاب کرده بودند.

۳. تکرار ادعای مشابه برای سایر فرزندان: روایت مذکور ادعا می‌کند که همین ماجرا برای امام حسین علیه السلام و محسن علیه السلام نیز تکرار شد، به گونه‌ای که امام علی علیه السلام هر سه بار نام «حرب» را انتخاب کرد و پیامبر صلی الله علیه و آله آن را تغییر داد. این تکرار نشان‌دهنده‌ی تلاش برای ایجاد یک الگوی ساختگی و غیرواقعی است که با هدف ایجاد تردید در تصمیمات امیرالمؤمنین علی علیه السلام و کاهش شأن و مقام ایشان صورت گرفته است.

۴. استفاده از نام «حرب» در روایت: استفاده از نام «حرب» (به معنای جنگ) برای فرزندان امام علی علیه السلام در این روایت، به وضوح با شخصیت و روحیات اهل بیت علیهم السلام که همواره در جهت گسترش صلح، محبت، و عدالت بوده‌اند، در تضاد است. این نام‌گذاری فرضی با آرمان‌های اسلامی و تعلیمات پیامبر صلی الله علیه و آله که همواره بر دوری از جنگ و خشونت تأکید داشتند، مغایرت دارد.

## ✿ تحلیل انگیزه‌های جعل روایت تحریف نام‌گذاری امام

حسن علیه السلام

روایت مجعولی که ادعا می‌کند امیرالمؤمنین علی علیه السلام نام «حرب» را برای امام حسن علیه السلام انتخاب کرد و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آن را به «حسن» تغییر داد، نه تنها فاقد اعتبار است، بلکه دارای انگیزه‌های خاصی نیز برای جعل و انتشار آن بوده است. در این بخش، به بررسی دو انگیزه اصلی این جعل پرداخته می‌شود.

### انگیزه اول: القاء مخالفت مکرر امیرالمؤمنین علیه السلام با خواست پیامبر صلی الله علیه و آله

یکی از اهداف اصلی جعل این روایت، تلاش برای القای این تصور است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به صورت مکرر با خواسته‌های پیامبر صلی الله علیه و آله مخالفت کرده است. در این روایت، نام‌گذاری «حرب» که به معنای جنگ است، به عنوان نمادی از اسامی جاهلی مطرح شده که پیامبر صلی الله علیه و آله معمولاً آن‌ها را تغییر می‌دادند. در دوران جاهلیت، نام‌هایی که بوی خشونت، جنگ، و قدرت می‌دادند، بسیار مورد توجه بودند و قبایل عرب این اسامی را برای القاء رعب و وحشت در دل دشمنان انتخاب می‌کردند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که همواره در تلاش برای تغییر این فرهنگ جاهلی و جایگزینی آن با ارزش‌های اسلامی بود، بسیاری از این اسامی را تغییر داد.

در روایت جعلی، تلاش شده است که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان فردی که اصرار بر استفاده از این نام‌های جاهلی دارد، معرفی شود. این تصویرسازی نادرست با هدف تضعیف جایگاه و شخصیت امام علی علیه السلام و نیز ایجاد تضاد و اختلاف میان ایشان و پیامبر صلی الله علیه و آله صورت گرفته است. در حالی که در منابع معتبر، هیچ‌گاه چنین رفتاری از امام علی علیه السلام گزارش نشده و ایشان همواره مطیع دستورات و فرمایشات پیامبر صلی الله علیه و آله بوده‌اند.

## انگیزه دوم: تضعیف ادب و اطاعت محض امیرالمؤمنین علیه السلام در مقابل رسول خدا صلی الله علیه و آله

دومین انگیزه مهم در جعل این روایت، تضعیف جایگاه ادب و اطاعت محض امیرالمؤمنین علی علیه السلام در مقابل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله است. امام علی علیه السلام همواره با احترام و اطاعت کامل از دستورات پیامبر صلی الله علیه و آله پیروی می‌کردند و هیچ‌گاه مخالفتی با اوامر ایشان نداشتند. این رفتار امام علی علیه السلام در تاریخ به عنوان یکی از نشانه‌های بارز ادب و وفاداری ایشان به پیامبر صلی الله علیه و آله شناخته شده است. جاعلان این روایت سعی داشته‌اند تا با نسبت دادن مخالفت‌های مکرر امام علی علیه السلام با خواسته‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، این تصویر را مخدوش کنند. آن‌ها با طرح این ادعا که امام علی علیه السلام بر تغیر نام «حرب»، همچنان بر استفاده از این نام اصرار می‌ورزید، سعی در تضعیف مقام و شخصیت امام علی علیه السلام داشته‌اند. این در حالی است که هیچ گزارش تاریخی معتبری وجود ندارد که نشان دهد امام علی علیه السلام در طول حیات پیامبر صلی الله علیه و آله حتی یک بار مخالفتی با دستورات ایشان داشته‌اند.

## انگیزه سوم: تلاش برای نشان دادن جنگ طلبی امیرالمؤمنین علی علیه السلام

یکی دیگر از انگیزه‌های اصلی جعل این روایت، تلاش برای تبیین جنگ‌طلبی امیرالمؤمنین علی علیه السلام و در مقابل، صلح‌طلبی امام حسن علیه السلام بوده است. جاعلان این روایت، سعی داشته‌اند تا با نسبت دادن انتخاب نام «حرب» به امام علی علیه السلام، ایشان را به عنوان فردی که تمایل به جنگ و خشونت دارد، معرفی کنند. در مقابل، امام حسن علیه السلام را به عنوان فردی صلح‌طلب و مخالف روش‌های پدرش جلوه دهند.

یکی از نمونه‌های بارز این تحریف، نسبت دادن یک جمله مشکوک و جعلی به حضرت فاطمه زهرا علیها السلام است که گفته شده ایشان در حال بازی با امام حسن علیه السلام این شعر را می‌خوانده‌اند:

«أَنْتَ شَبِيهٌ بِأَبِي لَسْتُ شَبِيهًا بِعَلِيٍّ»

(تو شبیه پدرم هستی، شبیه علی نیستی!)



این جمله، که به وضوح جعلی است، در راستای تلاش برای نشان دادن تضاد بین امام حسن (علیه السلام) و امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است. جاعلان این روایت قصد داشتند تا با این دستکاری‌ها، تصویر نادرستی از رابطه میان پدر و پسر ایجاد کنند و ادعا کنند که امام حسن (علیه السلام) به دلیل صلح‌طلبی خود، مخالف جنگ‌طلبی پدرش بوده است. این تصویرسازی‌ها در واقع با هدف تخریب شخصیت و اعتبار امام علی (علیه السلام) انجام شده است.

## ✦ اشاره به سیاست‌های معاویه در جعل روایات

این نوع روایات جعلی در دوران حکومت معاویه و با دستور مستقیم او برای تخریب شخصیت و جایگاه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و شیعیان ایشان ساخته و پرداخته شده است. معاویه در دوران بیست ساله حاکمیت خود، دست به جعل و ترویج روایات مختلفی زد که هدف اصلی آن‌ها تحریف تاریخ و ایجاد تضاد میان امام علی (علیه السلام) و دیگر شخصیت‌های اسلامی بود.

ابن ابی الحدید در شرح نهج البلاغه (جلد ۱۱، صفحه ۴۴) به نقل از ابو الحسن مدائنی، به بخشنامه‌های معاویه اشاره می‌کند که در آن‌ها به ولات خود در مناطق مختلف دستور می‌داد تا شیعیان امیرالمؤمنین را تحت فشار قرار دهند و روایاتی در مدح عثمان و خلفای پیشین جعل کنند. این اقدامات با هدف ایجاد یک فضای ضد فرهنگی در جامعه انجام می‌شد که بخشی از آن نیز شامل جعل روایات بر علیه امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود.<sup>۶</sup>

## ✦ نقد سندی روایات

علاوه بر انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی، این روایات از نظر سندی نیز بسیار ضعیف و غیرقابل اعتماد هستند. بسیاری از این روایات در متون اهل سنت آمده‌اند، اما اسناد آن‌ها از دیدگاه علم رجال اهل سنت نیز فاقد اعتبار است. برای مثال:

۱. روایات مرسل: بسیاری از این روایات به صورت مرسل نقل شده‌اند، به این معنا که سند کامل و معتبر ندارند.

۶. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۴

۲. راویان ضعیف و مجهول: در برخی از این روایات، راویانی مانند ابو اسحاق و عمرو ابن حریص دیده می‌شوند که یا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) را درک نکرده‌اند یا از نظر علم رجال اهل سنت، راویان ضعیف و مجهولی هستند. ابن حجر، عمرو ابن حریص را مجهول دانسته و هیثمی نیز او را ضعیف شمرده است.<sup>۷</sup>

۳. دیگر راویان ضعیف: در برخی از این روایات، افرادی مانند اسرائیل و ابن عبد الرحمان حضور دارند که از دیدگاه علم رجال اهل سنت نیز افراد ضعیف و غیرقابل اعتماد هستند. ذهبی نیز اسرائیل را مجهول دانسته است.<sup>۸</sup>

با توجه به این نکات، روشن است که این روایات نه تنها از نظر محتوا، بلکه از نظر سندی نیز معتبر نیستند و نمی‌توانند به عنوان منبعی معتبر برای قضاوت درباره شخصیت و رفتار امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) مورد استفاده قرار گیرند.

## ❖ **نقد محتوایی روایات و تعارضات درونی آن‌ها**

### ❖ **نکته اول: تعارض درونی روایات**

یکی از دلایل عمده‌ی ضعف این روایات، تعارضات درونی آن‌هاست. هنگامی که به متونی که ادعا می‌کنند امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نام «حرب» را برای امام حسن (علیه السلام) انتخاب کرده بود، نگاهی بیندازیم، متوجه می‌شویم که این روایات با یکدیگر تعارض دارند.

برخی از روایات اهل سنت ادعا می‌کنند که امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) فرزند اولش، یعنی امام حسن (علیه السلام)، را «حمزه» نامیده بود و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) این نام را به «حسن» تغییر داد.<sup>۹</sup> همچنین، ادعا شده که فرزند دوم، یعنی امام حسین (علیه السلام)، ابتدا «جعفر» نامیده شد، که این نام نیز توسط پیامبر (صلی الله علیه و آله) به «حسین» تغییر یافت. در برخی دیگر از روایات آمده است که هر دو فرزند امام علی (علیه السلام) با نام «جعفر» نام‌گذاری شدند، یعنی هم امام حسن (علیه السلام) و هم امام حسین (علیه السلام) به این نام نامیده شدند.<sup>۱۰</sup>

۷. ابن حجر، تهذیب التهذیب، ج ۸، ص ۲۴؛ هیثمی، مجمع الزوائد، ج ۵، ص ۱۱۳

۸. ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۱، ص ۲۷۲

۹. ابن اثیر، اسد الغابة، ج ۲، ص ۱۰

۱۰. ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۲۰

این تناقضات آشکار نشان‌دهنده‌ی ضعف و عدم اعتبار این روایات است. اگر روایات در بیان یک واقعه‌ی تاریخی معتبر و محکم بودند، نباید چنین تزلزلی در متن آن‌ها وجود داشت. این تزلزل و تعارض درونی، یکی از دلایل مهم ضعف و غیرقابل اعتماد بودن این روایات است. این تناقضات علاوه بر این که به وضوح نشان‌دهنده‌ی جعلی بودن این روایات هستند، بلکه همچنین تلاش جاعلان را برای نمایش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به عنوان فردی که به جایگاه پیامبر (ص) توجه ندارد، آشکار می‌سازند.

## ❖ نکته دوم: وجود روایات معارض در متون اهل سنت و شیعه

یکی دیگر از دلایل ضعف و جعلی بودن روایات مربوط به نام‌گذاری «حرب» توسط امام علی (علیه السلام)، وجود روایات معارض و معتبر در متون اهل سنت و شیعه است که به‌طور کلی از نام‌گذاری «حرب» توسط امام علی (علیه السلام) صحبتی نمی‌کنند.

### روایات اهل سنت

برای نمونه، در مستدرک حاکم این روایت نقل شده است:  
 «عق رسول الله صلى الله عليه وسلم عن الحسن والحسين يوم السابع، وسماهما وأمر أن يماط عن رؤوسهما»  
 (پیامبر اکرم (ص) در روز هفتم برای حسن و حسین عقیقه کرد و نام آن‌ها را نهاد و دستور داد که سرهایشان تراشیده شود).<sup>۱۱</sup>

در این روایت، هیچ اشاره‌ای به این موضوع که امام علی (علیه السلام) نام «حرب» را برای فرزندان خود انتخاب کرده باشد، نشده است. بلکه به صراحت آمده است که پیامبر (ص) خود نام‌های حسن و حسین را برای آن‌ها انتخاب کرد.

### روایات شیعه

در متون شیعه نیز روایات مشابهی وجود دارد که به وضوح این روایت جعلی را نقض می‌کنند. برای مثال، مرحوم شیخ صدوق در کتاب علل الشرایع از جابر

۱۱. المستدرک علی الصحیحین، محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، ج ۴، ص ۲۶۴

نقل می‌کند:

«لَمَّا حَمَلَتْ فَاطِمَةُ بِالْحَسَنِ فَوَلَدَتْ وَقَدْ كَانَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه واله وسلم) أَمْرَهُمْ أَنْ يَلْفُوهُ فِي خِرْقَةٍ بَيْضَاءَ فَلَفُوهُ فِي صَفْرَاءَ»

(وقتی که فاطمه علیها السلام را متولد کرد، پیامبر صلی الله علیه و آله دستور داد که او را در پارچه سفیدی ببیچند ولی او را در پارچه زرد بیچیدند).<sup>۱۲</sup>

در ادامه روایت آمده است که حضرت فاطمه علیها السلام به امام علی علیه السلام فرمودند که نامی برای فرزندشان انتخاب کند. امام علی علیه السلام در پاسخ گفت:

«مَا كُنْتُ لِأَنْسِبُ بِاسْمِهِ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه واله وسلم)»

(من بر پیامبر صلی الله علیه و آله در نام‌گذاری پیشی نمی‌گیرم).

سپس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمدند و پس از مکیدن لبان امام حسن علیه السلام و اظهار محبت، از امام علی علیه السلام پرسیدند که چه نامی برای او گذاشته است. امام علی علیه السلام پاسخ داد که او در نام‌گذاری پیشی نگرفته و منتظر دستور پیامبر است. سپس جبرئیل نازل شد و به پیامبر صلی الله علیه و آله اعلام کرد که خداوند او را به نام فرزند هارون یعنی «شبر» نام‌گذاری کند که معادل عربی آن «حسن» است.<sup>۱۳</sup> این روایت به وضوح نشان می‌دهد که نام‌گذاری امام حسن علیه السلام توسط خود پیامبر صلی الله علیه و آله و بر اساس وحی الهی انجام شده است، و هیچ اشاره‌ای به انتخاب نام «حرب» توسط امام علی علیه السلام نشده است.

وجود این روایات معتبر و معارض، که هم در متون اهل سنت و هم در متون شیعه یافت می‌شوند، به وضوح نشان می‌دهد که روایت مربوط به نام‌گذاری «حرب» توسط امام علی علیه السلام جعلی است و هیچ مبنای تاریخی و دینی ندارد. این روایات معتبر تأیید می‌کنند که نام‌گذاری امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور الهی انجام شده است.



## ❖ نکته سوم: روایات معارض در منابع شیعه و اهل سنت

یکی از نکات مهم در بررسی روایات جعلی مرتبط با نام‌گذاری امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، وجود روایات معتبر در هر دو مکتب اهل سنت و شیعه است که به وضوح نشان می‌دهند این روایات جعلی هیچ پایه و اساسی ندارند.

### ❖ روایات در متون شیعه

برای نمونه، مرحوم شیخ صدوق در کتاب *علل الشرایح* روایتی از جابر نقل می‌کند که در آن، حضرت فاطمه (علیها السلام) پس از تولد امام حسن (علیه السلام)، ایشان را نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بردند و پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرزند را در آغوش گرفتند و پس از بوسیدن ایشان، از امام علی (علیه السلام) پرسیدند که چه نامی برای فرزندشان انتخاب کرده‌اند. امام علی (علیه السلام) پاسخ دادند که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) در نام‌گذاری سبقت نمی‌گیرند و سپس پیامبر (صلی الله علیه و آله) به وحی الهی، نام «حسن» را برای ایشان انتخاب کردند.<sup>۱۴</sup>

شیخ مفید نیز در کتاب *الإرشاد* به همین مضمون اشاره می‌کند و می‌گوید: حضرت فاطمه (علیها السلام) امام حسن (علیه السلام) را در روز هفتم تولد نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) بردند، و پیامبر (صلی الله علیه و آله) ایشان را «حسن» نامیدند و عقیقه کردند. همچنین، در مورد امام حسین (علیه السلام) نیز همین فرآیند تکرار شد و پیامبر (صلی الله علیه و آله) نام «حسین» را بر ایشان نهادند و عقیقه کردند.<sup>۱۵</sup>

### ❖ روایات در متون اهل سنت

در متون اهل سنت نیز روایات معتبری وجود دارد که ادعای نام‌گذاری «حرب» توسط امام علی (علیه السلام) را نفی می‌کند. برای مثال، در مستدرک حاکم آمده است که پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز هفتم تولد امام حسن (علیه السلام) و امام حسین (علیه السلام)، برای ایشان عقیقه کرد و نام‌های حسن و حسین را برای آن‌ها برگزید.<sup>۱۶</sup>

این روایات به وضوح نشان می‌دهند که نام‌گذاری این دو امام بزرگوار توسط پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و بر اساس وحی الهی انجام شده است، و هیچ اشاره‌ای به انتخاب نام «حرب» توسط امام علی (علیه السلام) در این روایات وجود ندارد.

نکته چهارم: عدم تطابق با جایگاه و شخصیت امام علی (علیه السلام)

در نهایت، این ادعا که امام علی (علیه السلام) نام «حرب» را برای فرزندان خود انتخاب

کرده باشد، با توجه به شخصیت و جایگاه ایشان به عنوان یک معصوم و فردی که در کنار پیامبر اکرم ص تربیت شده و به طور کامل متعهد به دستورات الهی و آداب اسلامی بوده است، کاملاً غیرقابل پذیرش است.

امام علی ع نه تنها به عنوان یک معصوم، بلکه به عنوان یکی از مصادیق آیه تطهیر در قرآن کریم، همواره به ادب و احترام نسبت به پیامبر اکرم ص پایبند بودند. این که ایشان پس از مشاهده عدم رضایت پیامبر ص از نام «حرب» بارها و بارها بر این نام اصرار ورزیده باشند، به هیچ وجه با شخصیت و مقام والای امام علی ع سازگار نیست.

از همین رو، این روایات جعلی، که مدعی انتخاب نام «حرب» توسط امام علی ع هستند، از روی غرض‌ورزی و با اهداف تخریبی ساخته و پرداخته شده‌اند و فاقد هرگونه اعتبار تاریخی و دینی می‌باشند.

## ❖ جمع‌بندی:

این شبهه که ادعا می‌کند امیرالمؤمنین علی ع نام «حرب» را برای امام حسن ع انتخاب کرده بود و پیامبر اکرم ص آن را به «حسن» تغییر دادند، از چندین جهت قابل رد است:

۱. بی‌اعتباری سندی: روایت‌هایی که این ادعا را مطرح می‌کنند، از نظر سندی ضعیف و غیرقابل اعتماد هستند و توسط راویان ضعیف و مجهول نقل شده‌اند.

۲. تعارض درونی روایات: این روایت‌ها دارای تناقضات درونی هستند که نشان‌دهنده‌ی ضعف و جعلی بودن آن‌هاست. برخی از این روایت‌ها نام‌های دیگری مانند «حمزه» و «جعفر» را به امام حسن ع نسبت می‌دهند که همگی نشان از عدم اعتبار این روایات دارند.

۳. وجود روایات معارض: در متون معتبر اهل سنت و شیعه، روایاتی وجود دارد که نشان می‌دهند پیامبر اکرم ص شخصاً نام «حسن» را برای این امام بزرگوار انتخاب کرده‌اند و هیچ اشاره‌ای به انتخاب نام «حرب» توسط امام علی ع نشده است.

۴. عدم تطابق با شخصیت امام علی ع: امام علی ع به عنوان یک معصوم و نمونه‌ای از ادب و اطاعت در مقابل پیامبر ص، هرگز بر نام‌گذاری «حرب» اصرار

نداشته‌اند، و این ادعا با شخصیت و جایگاه ایشان ناسازگار است.  
بنابراین، این شبهه فاقد اعتبار است و نمی‌تواند دلیلی برای تضعیف شخصیت  
امام علی علیه السلام یا تصمیمات ایشان باشد.

۲

## شبهه دوم:

مخالفت امام حسن علیه السلام با جنگ‌های داخلی و  
عدم همراهی با امیرالمؤمنین علی علیه السلام

## ✿ متن شبهه:

در برخی از روایات آمده است که امام حسن علیه السلام مخالف شرکت در جنگ‌های داخلی مانند جنگ جمل و صفین بود. گفته می‌شود که ایشان نه تنها به این نوع جنگ‌ها علاقه‌ای نداشتند، بلکه حتی با تصمیمات پدرشان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نیز در این باره مخالف بودند. این ادعا مطرح شده که امام حسن علیه السلام به دلیل نفرت از درگیری‌های داخلی، از شرکت در این نبردها خودداری کرده و به نوعی، نارضایتی خود را از این جنگ‌ها نشان داده‌اند.

## ✿ نوع شبهه: تضاد و تناقض

شبهه‌ای که مطرح شده از نوع «تضاد و تناقض» است. این نوع شبهه معمولاً با هدف ایجاد تصویری از اختلاف نظر، مخالفت، یا ناهماهنگی میان شخصیت‌های دینی یا میان گفتارها و رفتارهای آنان طراحی می‌شود. در این مورد خاص، شبهه تلاش دارد تا نشان دهد که امام حسن علیه السلام در مسائلی مانند جنگ‌های داخلی، با پدر بزرگوارشان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، مخالفت داشتند و از شرکت در این جنگ‌ها امتناع می‌ورزیدند.

تضاد در دیدگاه‌ها و تصمیمات:

این شبهه بر این پایه استوار است که دیدگاه امام حسن علیه السلام در مورد جنگ‌های داخلی، به ویژه جنگ‌های جمل و صفین، با دیدگاه امیرالمؤمنین علی علیه السلام در تضاد بوده است. به عبارت دیگر، گفته می‌شود که امام حسن علیه السلام به دلیل نفرت از جنگ و درگیری، مخالف شرکت در این نبردها بود، در حالی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان رهبر مسلمانان و خلیفه وقت، ورود به این جنگ‌ها را ضروری می‌دانستند.

## ✿ تناقض در شخصیت‌های دینی:

این نوع شبهه به دنبال ایجاد تناقض میان شخصیت‌های دینی است. در اینجا، تلاش می‌شود تا امام حسن علیه السلام به عنوان شخصیتی صلح‌جو و مخالف جنگ‌های داخلی به تصویر کشیده شود، در حالی که امیرالمؤمنین علی علیه السلام به عنوان فردی که به جنگ و نبرد علاقه‌مند است، معرفی می‌شود. این

تصویرسازی می‌تواند به ایجاد تردید و شکاف در اعتماد مسلمانان به این دو شخصیت بزرگ منجر شود و اتحاد میان شیعیان و اهل سنت را تحت تأثیر قرار دهد.

## ❁ تأثیر بر فهم تاریخی و عقیدتی:

این شبهه ممکن است به تضعیف اعتماد به روایت‌های تاریخی معتبر و ایجاد تردید در اصول و عقاید اسلامی منجر شود. اگر چنین تضادی میان امام حسن علیه السلام و امیرالمؤمنین علی علیه السلام پذیرفته شود، ممکن است برخی از مسلمانان به این نتیجه برسند که سیاست‌های امیرالمؤمنین علی علیه السلام در جنگ‌های داخلی نادرست بوده و یا اینکه اختلافات میان اهل بیت علیهم السلام وجود داشته است. این نتیجه‌گیری می‌تواند به تضعیف ایمان و انسجام جامعه اسلامی منجر شود.

## ❁ هدف‌نهایی شبهه:

هدف نهایی این نوع شبهه، تضعیف شخصیت‌های محوری اسلام و ایجاد تفرقه در میان مسلمانان است. با القای تضاد و تناقض میان امام حسن علیه السلام و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، شبهه‌افکنان تلاش می‌کنند تا پایه‌های اعتقادی و تاریخی اسلام را زیر سؤال ببرند و به نوعی، مشروعیت اقدامات و تصمیمات این شخصیت‌ها را خدشه‌دار کنند.

## پاسخ اجمالی:

### ۱. همراهی در بدرقه ابوذری:

امام حسن علیه السلام همراه با پدرشان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، و به‌رغم منع شدید عثمان، ابوذری را هنگام تبعید به ربه بدرقه کردند. این اقدام نشان‌دهنده همبستگی و هم‌مسیر بودن امام حسن علیه السلام با پدرشان در مقابله با ظلم بود.

### ۲. نقش فعال در جنگ صفین:

امام حسن علیه السلام در جنگ صفین با سخنرانی‌های پرشور خود نیروهای کوفه را برای مقابله با معاویه بسیج کردند و مردم را به اتحاد و مبارزه با سپاه معاویه فراخواندند. این نقش‌آفرینی بیانگر حمایت قاطع امام حسن علیه السلام از سیاست‌های پدرشان در مقابله با دشمنان اسلام بود.



### ۳. دشمنی شدید مروان بن حکم:

مروان بن حکم، یکی از دشمنان سرسخت اهل بیت (علیهم السلام)، حتی پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) نیز از دشمنی با ایشان دست برنداشت. این دشمنی شدید نشان می‌دهد که امام حسن (علیه السلام) در همان مسیر پدرشان حرکت می‌کردند و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) نیز این همبستگی را به خوبی درک کرده بودند.

### ۴. نامه‌نگاری و آمادگی برای جنگ با معاویه:

پس از شهادت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، امام حسن (علیه السلام) با معاویه نامه‌نگاری کردند و حقانیت و خلافت خود را مطرح نمودند. ایشان در مقابل مخالفت معاویه آماده جنگ شدند و نیروهای لازم را جمع‌آوری کردند، که این نشان‌دهنده عزم راسخ امام حسن (علیه السلام) در حفظ خلافت و ادامه مسیر پدرشان بود.

امام حسن (علیه السلام) در تمامی مراحل حساس دوران پدرشان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، همواره در مسیر حق و همراه با ایشان در دفاع از دین و مقابله با دشمنان اسلام بودند. شواهد تاریخی معتبر به وضوح نشان می‌دهد که ادعای عدم هم‌مسیر بودن امام حسن (علیه السلام) با پدرشان بی‌اساس و نادرست است.

## پاسخ تفصیلی:

### مقدمه

در طول تاریخ اسلام، اهل بیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) همواره به عنوان پیشوایان و الگوهای حقیقی دین شناخته شده‌اند. اما در عین حال، مخالفان و دشمنان آنان همواره سعی کرده‌اند با تحریف حقایق و انتشار شبهات، جایگاه و نقش این بزرگواران را در اذهان عمومی تخریب کنند. یکی از این شبهات، ادعای عدم هم‌مسیر بودن امام حسن (علیه السلام) با پدر بزرگوارشان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، است.

این شبهه تلاش می‌کند تا امام حسن (علیه السلام) را به عنوان فردی صلح‌طلب و مخالف با سیاست‌های جنگی پدرشان معرفی کند و با این تصویرسازی نادرست، موقعیت و اعتبار امام حسن (علیه السلام) را تضعیف نماید. با این حال، شواهد تاریخی متعدد و منابع معتبر اسلامی به وضوح نشان می‌دهند که این ادعا بی‌اساس بوده و امام حسن (علیه السلام) همواره در مسیر حق و در کنار پدرشان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، ایستاده‌اند.

در این نوشتار، با بررسی دقیق شواهد تاریخی و تحلیل مستندات معتبر، به این شبهه پاسخ داده و نشان داده می‌شود که امام حسن علیه السلام در تمامی مراحل حساس دوران پدرشان، هم‌مسیر و همراه ایشان در دفاع از حق و عدالت بوده‌اند.

## ❖ بررسی تحریفات و جفاهای تاریخی علیه امام حسن علیه السلام و امیرالمؤمنین علیه السلام

### ❖ زمینه‌سازی برای جعل روایات

این تحریفات و تهمت‌ها بر این اساس شکل گرفته‌اند که امام حسن علیه السلام به دلیل روحیه صلح‌طلبی و عدم تمایل به جنگ، تصمیم به صلح با معاویه گرفت و حکومت را به او واگذار کرد. این روایت‌سازی‌ها در تلاش بوده‌اند تا امام حسن علیه السلام را به عنوان فردی که حتی با پدر خود، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، بر سر مسائل جنگی و سیاسی مخالف بوده است، معرفی کنند. به این ترتیب، تحریف‌گران سعی کرده‌اند تا این گونه القا کنند که امام حسن علیه السلام با جنگ‌های جمل و صفین نیز مخالف بوده و در واقع در مسیر و موضعی متفاوت از پدرش قرار داشته است.

### ❖ تحلیل برخی محققین

برخی از محققین بر این باورند که بخشی از این تحریفات و سوءبرداشت‌ها به دلیل تشابه اسمی میان امام حسن علیه السلام و حسن بصری بوده است. حسن بصری، یکی از شخصیت‌های معروف دوران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، که به زهد و تصوف شهرت داشت، گاهی انتقاداتی را نسبت به سیاست‌ها و رفتارهای امیرالمؤمنین علی علیه السلام مطرح می‌کرد. این محققین معتقدند که در برخی از روایات، اعتراضات و مخالفت‌های حسن بصری به اشتباه به امام حسن علیه السلام نسبت داده شده است. این تشابه اسمی و انتقال نادرست اطلاعات تاریخی، باعث شده است که برخی از روایات به نادرستی امام حسن علیه السلام را به عنوان فردی مخالف با پدرش و هم‌سو با مخالفان اهل بیت علیهم السلام معرفی کنند.

شواهد تاریخی حمایت امام حسن علیه السلام از امیرالمؤمنین علی علیه السلام



بررسی منابع تاریخی نشان می‌دهد که امام حسن (علیه السلام) همواره در کنار پدرشان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در مسائل مهم سیاسی و نظامی حضور فعال داشته‌اند. این شواهد تاریخی به وضوح نشان می‌دهد که ادعای مخالف بودن امام حسن (علیه السلام) با پدرشان در جنگ‌ها و مسائل سیاسی، بی‌اساس و نادرست است.

## ✦ شواهد از وقعة الصفین

در کتاب وقعة الصفین نوشته نصر بن مزاحم، که از منابع معتبر و اصلی شیعه است و نویسنده آن در قرن دوم هجری می‌زیسته است، آمده که وقتی عایشه، طلحه، و زبیر به سمت بصره رفتند و جنگ جمل را به راه انداختند، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در مدینه حضور داشتند. در آن زمان، مدینه به دلیل خروج بسیاری از صحابه برای فتوحات، نیروی کافی برای حمایت از امیرالمؤمنین (علیه السلام) نداشت. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برای جمع‌آوری نیرو، از کوفه درخواست کمک کردند، اما با کارشکنی ابو موسی اشعری، این درخواست با پاسخ مثبت مواجه نشد.

در این شرایط، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) امام حسن (علیه السلام) را به کوفه فرستادند. امام حسن (علیه السلام) در مسجد کوفه خطبه‌ای غرّاً ایراد کردند که تأثیر عمیقی بر مردم گذاشت و موجب شد که حدود ده هزار نفر از کوفه به کمک امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بشتابند. این نیروهای تازه‌نفس نقش کلیدی در پیروزی امیرالمؤمنین (علیه السلام) در جنگ جمل داشتند.<sup>۱۷</sup>

## ❁ شواهد از العقد الفرید

ابن عبد ربہ اندلسی، نویسنده سنی مذهب قرن چهارم هجری، در کتاب العقد الفرید به نقش امام حسن علیه السلام در جمع‌آوری نیرو برای حمایت از امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره کرده است. او نیز تأیید می‌کند که امام حسن علیه السلام با خطبه‌ای که در کوفه ایراد کردند، تعداد زیادی از نیروها را برای شرکت در جنگ جمل بسیج کردند.<sup>۱۸</sup>

این شواهد تاریخی نشان می‌دهد که امام حسن علیه السلام نه تنها مخالف جنگ‌های پدرشان نبودند، بلکه با تمام وجود از ایشان حمایت می‌کردند و نقش فعالی در بسیج نیروها و حمایت از امیرالمؤمنین علیه السلام داشتند. اگر امام حسن علیه السلام مخالف جنگ‌های پدرشان بود، نه تنها به این شکل فعال در امور دخالت نمی‌کردند، بلکه توانایی تاثیرگذاری در بسیج نیروها نیز نداشتند.

این نکات نشان می‌دهد که ادعاهای مبنی بر مخالفت امام حسن علیه السلام با پدرشان در جنگ‌های جمل و صفین، بی‌اساس و تحریف‌شده است. منابع معتبر تاریخی، چه در متون شیعه و چه در متون اهل سنت، به وضوح بر حمایت و همراهی امام حسن علیه السلام با امیرالمؤمنین علی علیه السلام تأکید دارند.

شواهد تاریخی متعدد نشان می‌دهند که امام حسن علیه السلام نه تنها مخالف مسیر پدرشان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، نبودند، بلکه در همه مراحل حساس همراه و همگام با ایشان بودند. این همراهی و حمایت در وقایع مختلفی از جمله تبعید ابوذر به ربه و جنگ صفین به وضوح دیده می‌شود.

## ❁ همراهی امام حسن علیه السلام در تبعید ابوذر

یکی از شواهد روشن این همراهی، بدرقه امام حسن علیه السلام از ابوذر هنگام تبعید به ربه است. عثمان، خلیفه سوم، به شدت از بدرقه ابوذر توسط مردم جلوگیری کرده و حتی دستور داده بود که هیچ‌کس نباید ابوذر را همراهی کند. با این حال، امام حسن علیه السلام به همراه پدرشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام و چند نفر دیگر، با وجود این منع، ابوذر را بدرقه کردند.

## ❁ امام حسن علیه السلام در این بدرقه به ابوذر فرمودند:

«از ناحیه این‌ها (حاکمان) مسائلی برای تو رخ داده که می‌بینی. صبر پیشه کن تا رسول خدا ﷺ را ملاقات کنی در حالی که از تو خوشنود است» (تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۷۲؛ ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۲۵۳).

این اقدام نشان می‌دهد که امام حسن (علیه السلام) در همان مسیری که پدرشان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) قرار داشتند، حرکت می‌کردند و در مقابله با ظلم و دفاع از مظلومان، کاملاً هم‌راستا با پدرشان بودند.

## ✪ **برخورد امام حسن (علیه السلام) با عبیدالله بن عمر در جنگ صفین**

یکی دیگر از مواردی که نشان‌دهنده هم‌مسیر بودن امام حسن (علیه السلام) با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) است، برخورد ایشان با عبیدالله بن عمر در جنگ صفین است. عبیدالله بن عمر، پس از اینکه به طور ناحق چند نفر از بی‌گناهان را به ظن کاذب قتل پدرش توسط ابو لؤلؤ به قتل رساند، به کوفه فرار کرد و عثمان به او پناه داد و او را از مجازات معاف کرد.

عبیدالله بن عمر در زمان خلافت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به شام گریخت و در صفین به لشکر معاویه پیوست. او در صفین تلاش کرد امام حسن (علیه السلام) را علیه پدرش شوراند. اما امام حسن (علیه السلام) با تندی با او برخورد کرد و مخالفت صریح خود را با او و هم‌پیمانانش اعلام نمود.<sup>۱۹</sup>

این شواهد نشان می‌دهد که امام حسن (علیه السلام) همواره در مسیر پدرشان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حرکت می‌کردند و نه تنها مخالف ایشان نبودند، بلکه در مقابل دشمنان و مخالفان، از سیاست‌ها و مواضع ایشان با قدرت دفاع می‌کردند.

## ❖ شواهد هم‌مسیر بودن امام حسن ع با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)

شواهد تاریخی متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد امام حسن (علیه السلام) همواره در مسیر و همراه با پدرشان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در دفاع از حق و مبارزه با ظلم و دشمنان اسلام بوده‌اند. این همراهی به وضوح در وقایع مختلفی از جمله جنگ صفین و دیگر رویدادهای مهم دوران خلافت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) به چشم می‌خورد.

## ❖ واکنش معاویه به پاسخ امام حسن (علیه السلام) در جنگ صفین

در جنگ صفین، عبیدالله بن عمر که به سپاه معاویه پیوسته بود، تلاش کرد امام حسن (علیه السلام) را علیه پدرشان تحریک کند. امام حسن (علیه السلام) با قاطعیت به عبیدالله پاسخ داد و با تندی با او برخورد کرد. وقتی معاویه از این پاسخ آگاه شد، گفت: «او هم فرزند پدرش است»؛ یعنی امام حسن (علیه السلام) همانند پدرشان در مسیر حق و مبارزه با باطل ثابت‌قدم است.<sup>۲۰</sup>

## ❖ سخنرانی امام حسن (علیه السلام) در صفین

یکی دیگر از شواهد هم‌مسیر بودن امام حسن (علیه السلام) با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) در جنگ صفین، سخنرانی امام حسن (علیه السلام) در میان نیروهای کوفه بود. امام حسن (علیه السلام) مردم را به اتحاد و مبارزه با معاویه و سپاهش فراخواندند و فرمودند:

«فَاحْتَشِدُوا فِي قِتَالِ عَدُوِّكُمْ مَعَاوِيَةَ وَ جُنُودِهِ»

(در جنگ با دشمنان معاویه و سپاهش متحد شوید)

«فَإِنَّهُ قَدْ حَصَرَ وَلَا تَحَادَلُوا فَإِنَّ الْخِذْلَانَ يِقْطَعُ نِيَابَ الْقُلُوبِ»

(سستی نورزید که سستی عصب قلب را قطع می‌کند).<sup>۲۱</sup>

این سخنان نشان‌دهنده‌ی عزم و اراده امام حسن (علیه السلام) در همراهی با پدرشان برای مبارزه با معاویه و حفظ حقانیت خلافت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بود.



## ❖ نامه‌نگاری امام حسن علیه السلام با معاویه پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

پس از شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام خلافت را به دست گرفتند و به معاویه نامه نوشتند، در این نامه‌ها امام حسن علیه السلام حکومت، حقانیت و خلافت خود را مطرح کردند و مظلومیت اهل بیت را پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیان نمودند. امام حسن علیه السلام به هیچ وجه از ابتدا قصد صلح با معاویه نداشتند و تنها پس از اینکه معاویه حاضر به پذیرش خلافت ایشان نشد، امر به جنگ انجامید.

اگر امام حسن علیه السلام از ابتدا اهل صلح و سازش با معاویه بود، همان ابتدای خلافت کار را به او واگذار می‌کرد و نیازی به جمع‌آوری نیرو و ورود به میدان جنگ نداشت. امام حسن علیه السلام حتی شخصاً به مدائن رفتند تا نیروهای بیشتری جمع‌آوری کنند و عبیدالله بن عباس را به همراه قیس بن سعد بن عباده و دیگران برای مقابله با معاویه فرستادند.

این شواهد تاریخی نشان می‌دهد که امام حسن علیه السلام همواره در همان مسیر پدرشان امیرالمؤمنین علی علیه السلام حرکت می‌کردند و در دفاع از حق و مبارزه با دشمنان اسلام، از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند.

## ❖ دشمنی مروان بن حکم با امام حسن علیه السلام

مروان بن حکم که یکی از دشمنان سرسخت اهل بیت علیهم السلام بود، حتی پس از شهادت امام حسن علیه السلام نیز از دشمنی با ایشان دست برنداشت. وقتی جنازه مطهر امام حسن علیه السلام را برای طواف و وداع به سوی قبر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بردند، مروان بن حکم به همراه عایشه مانع از این کار شدند.

مروان و همراهانش به گونه‌ای عمل کردند که امام حسین علیه السلام مجبور شد به خاطر وصیت امام حسن علیه السلام جنازه را به بقیع ببرد و آنجا دفن کند. اگر امام حسن علیه السلام مخالف سیاست‌ها و مسیر پدرشان بود و با معاویه و دشمنان اهل بیت همسو بود، این میزان از دشمنی از سوی مروان بن حکم و دیگر دشمنان اهل بیت علیهم السلام قابل توجیه نبود.

این دشمنی شدید و بی‌وقفه نشان‌دهنده‌ی این است که امام حسن (علیه السلام) نه تنها در مسیر پدرشان امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) حرکت می‌کردند، بلکه در حفظ اصول و مبارزه با ظلم و دشمنی با دشمنان اهل بیت (علیهم السلام)، همانند پدرشان عمل می‌کردند.

## ❁ جمع‌بندی

بررسی تاریخی و شواهد معتبر نشان می‌دهد که ادعای هم‌مسیر نبودن امام حسن (علیه السلام) با پدرشان، امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، نادرست و بی‌اساس است. امام حسن (علیه السلام) در تمامی مراحل حساس سیاسی و نظامی دوران پدرشان، نه تنها هم‌مسیر و هم‌پیمان با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) بودند، بلکه با قاطعیت از مسیر حق و عدالت دفاع کردند. شواهد این همراهی در وقایعی همچون تبعید ابوذر به ریزه، جنگ صفین، و حتی رفتار دشمنان پس از شهادت امام حسن (علیه السلام) به وضوح دیده می‌شود.

۱. همراهی امام حسن (علیه السلام) در بدرقه ابوذر: امام حسن (علیه السلام) با وجود منع شدید عثمان، به همراه پدرشان ابوذر را در تبعید بدرقه کردند و نشان دادند که در مقابله با ظلم، هم‌مسیر با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) هستند.

۲. سخنرانی و بسیج نیروها در جنگ صفین: امام حسن (علیه السلام) در جنگ صفین با سخنرانی‌های پرشور خود نیروهای کوفه را برای مقابله با معاویه بسیج کردند، که این اقدام نشان از عزم جدی ایشان در حمایت از پدرشان دارد.

۳. دشمنی شدید مروان بن حکم: حتی پس از شهادت امام حسن (علیه السلام)، مروان بن حکم، به عنوان یکی از دشمنان اصلی اهل بیت (علیهم السلام)، دشمنی شدید خود را نشان داد و مانع از دفن امام حسن (علیه السلام) در کنار قبر پیامبر (صلی الله علیه و آله) شد. این دشمنی نشان می‌دهد که امام حسن (علیه السلام) در همان مسیر حق و عدالت پدرشان حرکت می‌کردند.

در نتیجه ادعای عدم هم‌مسیر بودن امام حسن (علیه السلام) با امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) نه تنها با شواهد تاریخی معتبر در تضاد است، بلکه با منطق دشمنی شدید دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) نیز سازگار نیست. امام حسن (علیه السلام) به عنوان یکی از معصومان و فرزندان تربیت‌یافته در خانه پیامبر (صلی الله علیه و آله)، همواره در مسیر حق و

مبارزه با ظلم و دفاع از دین اسلام گام برداشته‌اند. شواهد تاریخی به وضوح نشان می‌دهد که امام حسن علیه السلام در کنار پدرشان، امیرالمؤمنین علی علیه السلام، در تمامی مراحل حساس حضور داشتند و در این مسیر از هیچ کوششی دریغ نکردند. این هم‌مسیر بودن امام حسن علیه السلام با پدرشان، حقیقتی است که در تاریخ اسلام به وضوح ثبت شده است.

### شبهه سوم:

بررسی صحت شرط جانشینی در صلح‌نامه  
امام حسن (علیه السلام) با معاویه و نقد ادعای  
پیمان‌شکنی



## ✿ متن شبهه:

معصومیت صحابه و مخالفت آن‌ها با اقدام معاویه نشان می‌دهد که این عمل جانشین کردن یزید توسط معاویه نادرست بوده و می‌تواند به‌عنوان یک اجتهاد سیاسی تلقی شود.

## ✿ نوع شبهه: تضاد و پیمان شکنی

شبهه مربوط به پیمان شکنی معاویه در تعیین جانشین و تأثیر آن بر صلح‌نامه با امام حسن (علیه السلام) از نوع «تضاد و پیمان شکنی» است. این نوع شبهه به دنبال ایجاد تردید در اعتبار تصمیمات تاریخی و اصول اسلامی، به‌ویژه در رابطه با شخصیت‌های کلیدی تاریخ اسلام می‌باشد. در اینجا چند جنبه اصلی این نوع شبهه مورد بررسی قرار می‌گیرد:

## ✿ تضاد در رفتار تاریخی:

توضیح: این شبهه سعی دارد نشان دهد که اقدام معاویه در تعیین یزید به‌عنوان جانشین با مفاد صلح‌نامه‌ای که با امام حسن (علیه السلام) بسته شده، در تضاد است. ادعا می‌شود که این عمل نه تنها نقض توافقات است، بلکه به نوعی به اعتبار و اصول تاریخی آسیب می‌زند. نتیجه: این امر می‌تواند به زیر سؤال بردن شخصیت معاویه و تأثیر منفی بر سیره او منجر شود.

## ✿ نقد بر اصول و معیارهای سیاسی:

توضیح: شبهه به دنبال نقد رفتار سیاسی معاویه و بررسی این موضوع است که آیا او حق داشت برای خود جانشینی تعیین کند یا خیر. این نوع نقد به چالش کشیدن اصول حاکم بر رهبری در اسلام و نحوه‌ی اداره‌ی جامعه‌ی اسلامی است.

نتیجه: این نقد می‌تواند به ایجاد اختلاف نظر در میان مسلمانان درباره‌ی شیوه‌های رهبری و اداره‌ی جامعه منجر شود. اختلافات در نقل‌های تاریخی:

توضیح: این نوع شبهه می‌تواند به وجود اختلافات در روایت‌ها و نقل‌های تاریخی اشاره کند. برخی روایت‌ها ممکن است به‌گونه‌ای تفسیر شوند که عمل معاویه را توجیه کنند، در حالی که دیگران بر نادرستی آن تأکید دارند. نتیجه: این اختلافات می‌تواند منجر به سردرگمی در فهم تاریخی و دینی شود و به ایجاد شک و تردید در اعتبار منابع دینی کمک کند. شبهه‌ی تضاد و پیمان‌شکنی به‌عنوان ابزاری برای نقد رفتارهای تاریخی و شخصیت‌های دینی مورد استفاده قرار می‌گیرد. تحلیل دقیق این شبهه و بررسی زوایای مختلف آن به ما کمک می‌کند تا به درک بهتری از تاریخ اسلام و شخصیت‌های کلیدی آن برسیم و پاسخ‌های منطقی و مستند به این شبهات ارائه دهیم.

## پاسخ اجمالی:

### ۱. نقض تعهدات صلح‌نامه با امام حسن علیه السلام:

معاویه پس از امضای صلح‌نامه با امام حسن علیه السلام، به هیچ‌یک از شروط آن پایبند نماند. او نه به کتاب خدا عمل کرد و نه به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله، بلکه تعهدات خود را به وضوح زیر پا گذاشت. از جمله، نقض امنیت شیعیان و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله که در صلح‌نامه تضمین شده بود.

### ۲. بدعت‌گذاری در دین:

معاویه بدعت‌هایی را در دین اسلام وارد کرد که برخی از آن‌ها تأثیرات ماندگاری بر فقه اهل سنت داشته است. از جمله این بدعت‌ها، حذف یا آهسته گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» در نماز بود که به مخالفت صحابه در مدینه منجر شد. این اقدام در حالی صورت گرفت که در فقه شیعه، بر بلند گفتن بسم الله تأکید شده است.

### ۳. مخالفت با احکام صریح قرآن:

معاویه در دوران حکومت خود به وضوح با احکام قرآن مخالفت کرد. یکی از نمونه‌های بارز این مخالفت، رواج شرب خمر در دربار او بود که صریحاً بآیه‌ای از سوره مائده که شراب را به عنوان عملی شیطانی معرفی می‌کند، در تضاد بود.

## ۴. اظهار کفر صریح:

شواهد تاریخی از منابع اهل سنت، به ویژه روایت مغیره بن شعبه در «مروج الذهب» مسعودی، به وضوح نشان می‌دهد که معاویه نه تنها دشمن پیامبر اسلام ﷺ بود، بلکه به صراحت نیت داشت که نام پیامبر ﷺ را از بین ببرد. این اظهار نظر صریح، دلیلی آشکار بر کفر معاویه است.

## پاسخ تفصیلی:

### مقدمه

در بررسی تاریخ اسلام، به ویژه در دوران پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، برخی از شخصیت‌های تاریخی به عنوان رهبران سیاسی و دینی مطرح شده‌اند که عملکرد آن‌ها همواره مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. یکی از این شخصیت‌ها، معاویه بن ابی‌سفیان است که نقش او در تاریخ اسلام با نقدها و شبیحات بسیاری همراه بوده است. با وجود ادعای برخی درباره مشروعیت و دیانت او، شواهد تاریخی نشان می‌دهد که معاویه نه تنها به اصول اسلام پایبند نبوده، بلکه در موارد متعددی به وضوح با احکام قرآن و سنت پیامبر ﷺ مخالفت کرده است.

در این پاسخ‌ها، با استناد به متون معتبر اهل سنت، به تحلیل عملکرد معاویه و بررسی بدعت‌ها و نقض تعهدات او پرداخته شده است. این شواهد تاریخی به وضوح نشان می‌دهند که معاویه نه تنها به تعهدات خود در صلح‌نامه با امام حسن (علیه السلام) عمل نکرد، بلکه با انجام اعمالی چون بدعت‌گذاری در دین و نقض امنیت شیعیان، به وضوح کفر و دشمنی خود را با اسلام آشکار کرد.

## ✪ استفاده نادرست از مفهوم «اجتهاد» برای توجیه خطاها

یکی از مسائلی که در تاریخ اسلامی مطرح شده، استفاده نادرست از مفهوم «اجتهاد» برای توجیه خطاهای بزرگ برخی صحابه و خلفا است. این ادعا که اشتباهات فاحشی مانند جنایات خالد بن ولید یا پیمان‌شکنی معاویه تحت عنوان «اجتهاد» توجیه‌پذیر هستند، نه تنها پایه دینی و علمی ندارد، بلکه تبدیل به ابزاری برای توجیه رفتارهای نادرست و غیراخلاقی شده است.

به عنوان مثال، خالد بن ولید مرتکب جنایت بزرگی شد که شامل قتل مالک بن نویره و زنا با همسر او بود. با این حال، ابوبکر این اعمال را تحت عنوان «تأول فآخطاً» توجیه کرد.<sup>۲۲</sup> این گونه استفاده از «اجتهاد» در واقع خودفربیی و تحریف حقیقت است.

## ❁ پیمان شکنی معاویه و نقض صریح قرآن

### ❁ بی‌اعتنایی به وفای به عهد

یکی از موارد بارز دیگر استفاده نادرست از «اجتهاد» برای توجیه رفتارهای نادرست، پیمان شکنی آشکار معاویه پس از صلح با امام حسن (علیه السلام) است. قرآن به صراحت بر وفای به عهد و پیمان تأکید می‌کند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»<sup>۲۳</sup>

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! به پیمان‌ها وفا کنید!»

معاویه، هنوز جوهر پیمان صلح با امام حسن (علیه السلام) خشک نشده بود که در کوفه بر منبر رفت و اعلام کرد: «من با شما جنگیدم که نماز بخوانید و روزه بگیرید، این را که انجام می‌دهید، جنگیدم که بر شما حکومت کنم، و کل آنچه که با حسن ابن علی منعقد کردم زیر پای من است.» این اقدام معاویه، نقض آشکار قرآن و اصول اخلاقی و دینی بود، و هیچ‌گونه اجتهاد سیاسی نمی‌تواند چنین پیمان شکنی واضحی را توجیه کند.

## ❁ اصول قرآنی در وفای به عهد حتی با مشرکان

### ❁ تأکید قرآن بر پایبندی به پیمان‌ها

قرآن کریم در سوره توبه، آیه ۴ تأکید می‌کند که حتی اگر با مشرکان عهدی بسته شده باشد، باید تا پایان مدت مقرر به آن پایبند بود:

«إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ

۲۲. أسد الغابة في معرفة الصحابة، ج ۵، ص ۵۴

۲۳. سوره مائده: آیه ۱

أَحَدًا فَاتِّمُوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَىٰ مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ»<sup>۲۴</sup>

«مگر کسانی از مشرکان که با آنها پیمان بستید، و چیزی از آن را در حق شما فروگذار نکردند، و احدی را بر ضد شما تقویت نمودند؛ پیمان آنها را تا پایان مدتشان محترم بشمرید، زیرا خدا پرهیزگاران را دوست دارد.»

این نشان‌دهنده اهمیت وفای به عهد و پیمان در اسلام است. معاویه با نقض پیمان با امام حسن علیه السلام، حتی به این اصول ابتدایی و واضح دینی نیز پایبند نبود.

## ❖ انتقاد از به کارگیری اجتهاد برای توجیه خطاهای سیاسی

### ❖ پیامدهای منفی سوءاستفاده از اجتهاد

به کارگیری واژه «اجتهاد» برای توجیه خطاهای سیاسی و اخلاقی نه تنها بی پایه است، بلکه سبب می‌شود اصول بنیادین دینی و قرآنی زیر سؤال بروند. این رویکرد، بیش از آنکه دارای بنیان علمی و دینی باشد، به مضحکه‌ای تبدیل شده که تلاش دارد اشتباهات فاحش را به نوعی توجیه کند. اگر این مفهوم از «اجتهاد» را از برخی پیروان این اندیشه بگیرند، دیگر هیچ‌گونه مستمسکی برای توجیه این رفتارهای نادرست باقی نخواهد ماند.

### ❖ بررسی پیمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه

### ❖ صراحت پیمان در عدم تعیین جانشین توسط معاویه

یکی از نکات مهم در پیمان صلح امام حسن علیه السلام با معاویه این بود که صریحاً مشخص شده بود معاویه حق ندارد برای بعد از خود جانشین تعیین کند. این بند از پیمان صلح نشان‌دهنده اهمیت و دقت امام حسن علیه السلام در حفظ حقوق اهل بیت علیهم السلام و جلوگیری از تحکیم قدرت غیرمشروع توسط معاویه است.

## ❁ پاسخ به ادعاهای بی اساس درباره شرط مالی در صلح نامه

در رابطه با برخی سوءاستفاده‌هایی که از مفاد صلح‌نامه صورت می‌گیرد، به ویژه توسط برخی شبکه‌های دین‌ستیز و آتئیست‌ها که ادعا می‌کنند امام حسن (علیه السلام) به دلیل دریافت مال و پول با معاویه صلح کرد، لازم است توجه دقیقی به متن صلح‌نامه و مفاد آن داشته باشیم. این ادعا که امام حسن (علیه السلام) صلح را به دلیل منافع مالی پذیرفت، کاملاً بی‌پایه و نادرست است.

برای بررسی دقیق این مسئله، لازم است به منابع معتبر تاریخی مراجعه کنیم. یکی از این منابع کتاب «فتوح» ابن اعثم، مورخ قرن چهارم اهل سنت است. در جلد ۴، صفحات ۱۵۸ تا ۱۶۰ این کتاب، مفاد صلح‌نامه به طور کامل ذکر شده است.

## ❁ متن صلح‌نامه در «فتوح» ابن اعثم

در متن صلح‌نامه که در کتاب «فتوح» ابن اعثم آمده است، موارد زیر به وضوح بیان شده است:

- عدم تعیین جانشین توسط معاویه: این بند از صلح‌نامه صریحاً تأکید می‌کند که معاویه پس از خود حق تعیین جانشین ندارد.

- حفظ حقوق اهل بیت (علیهم السلام): در این صلح‌نامه به طور ویژه به حقوق و حرمت اهل بیت (علیهم السلام) اشاره شده و معاویه موظف به رعایت آن‌ها شده است.

- مفاد مالی: برخلاف ادعاهای بی‌اساس، در مفاد صلح‌نامه شرط مالی خاصی به نفع امام حسن (علیه السلام) وجود ندارد که دال بر پذیرش صلح به دلیل منافع مالی باشد.

این نکات نشان می‌دهد که ادعاهای مطرح شده توسط مخالفان و دین‌ستیزان در خصوص انگیزه‌های مالی امام حسن (علیه السلام) برای صلح با معاویه، کاملاً بی‌اساس و تحریف‌شده است. بررسی دقیق منابع تاریخی معتبر همچون «فتوح» ابن اعثم این حقیقت را روشن می‌سازد.

## ❖ عدم وجود شرط مالی در صلح نامه

یکی از نکات مهم در بررسی صلح نامه امام حسن (علیه السلام) با معاویه این است که برخلاف برخی ادعاها، شرط مالی در این صلح نامه جزء شروط امام حسن (علیه السلام) نبوده است. امام حسن (علیه السلام) نماینده خود را نزد معاویه فرستادند تا شرایطی از جمله عمل به سیره پیامبر و کتاب خدا و تضمین امنیت مردم را مطرح کند. اما نماینده امام حسن (علیه السلام) به ابتکار خود شرط مالی را نیز اضافه کرد که امام حسن (علیه السلام) آن را رد کردند. این نشان می‌دهد که شرط مالی نه از سوی امام حسن (علیه السلام)، بلکه به صورت خودسرانه توسط نماینده ایشان مطرح شده بود.<sup>۲۵</sup> معاویه نیز با عدم پایبندی به این شروط، نشان داد که نیت واقعی او اجرای تعهدات صلح نامه نبوده است.

## ❖ نقض صریح پیمان صلح توسط معاویه و بدعت‌های او در دین

### ❖ عدم پایبندی به تعهدات صلح نامه

معاویه پس از امضای صلح نامه با امام حسن (علیه السلام)، نه تنها به هیچ‌یک از شروط این پیمان پایبند نماند، بلکه صریحاً آن‌ها را زیر پا گذاشت. این معاویه‌ای که برخی او را «رضی الله عنه» می‌خوانند، در واقع نه به کتاب خدا عمل کرد و نه به سنت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله). بدعت‌های او در دین اسلام به قدری آشکار و متعدد بودند که برخی برای مستند کردن آن‌ها کتاب‌هایی نوشتند، مانند کتاب «الاولئ» که به مواردی از بدعت‌های معاویه اشاره کرده است.<sup>۲۶</sup>

### ❖ بدعت در نماز و فقه

یکی از بدعت‌های معاویه که به طور مستقیم با احکام فقهی ارتباط دارد، حذف یا آهسته گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز جماعت بود. هنگامی که معاویه در مدینه نماز جماعت خواند و بسم الله را نگفت، صدای اعتراض صحابه بلند شد و او مجبور شد بسم الله را بگوید. این اقدام معاویه باعث شد که آهسته گفتن بسم الله یا حذف آن، در فقه اهل سنت رواج پیدا کند. این در حالی است که در فقه شیعه، بر اساس روایتی از امام حسن عسکری (علیه السلام)،

یکی از علامات مؤمن، بلند گفتن «بسم الله الرحمن الرحيم» در نماز است.<sup>۲۷</sup>

## ✿ مخالفت با احکام صریح قرآن

معاویه نه تنها به سنت پیامبر ﷺ عمل نکرد، بلکه به صراحت با احکام قرآن نیز مخالفت می‌کرد. به عنوان مثال، شرب خمر در دربار معاویه رواج داشت. این در حالی است که قرآن به وضوح شراب را حرام اعلام کرده است:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شراب و قمار و بتها و ازلام [= نوعی بخت‌آزمایی]، پلید و از عمل شیطان است، از آن‌ها دوری کنید تا رستگار شوید!».<sup>۲۸</sup>

این آیه صریح قرآن که شرب خمر را به عنوان عملی از شیطان معرفی کرده و مسلمانان را از آن بر حذر می‌دارد، توسط معاویه نادیده گرفته شد.

## ✿ نقض امنیت شیعیان و مردم در زمان معاویه

در زمان حکومت معاویه، امنیت شیعیان و حتی عموم مردم به خطر افتاد. شیعیان و کسانی که نام «علی» داشتند، در ترس و وحشت به سر می‌بردند. معاویه نه تنها امنیت شیعیان را تأمین نکرد، بلکه با پایه‌گذاری سنت سب امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، به طور مستقیم به اهل بیت پیامبر ﷺ و پیروانشان حمله کرد. این بدعت نه تنها شیعیان، بلکه عموم مسلمانانی که حب علی (علیه السلام) را در دل داشتند، در معرض خطر قرار داد.<sup>۲۹</sup>

## ✿ تحریک به قتل امام حسن (علیه السلام)

معاویه در نقض تعهداتش به حدی پیش رفت که حتی به بند پنجم صلح‌نامه، یعنی حفظ امنیت اهل بیت (علیهم السلام)، نیز خیانت کرد. او با تحریک جعده بنت اشعث و وعده‌های پوچ، او را به قتل امام حسن (علیه السلام) وادار کرد. این عمل

۲۷ . تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲

۲۸ . سوره مائده: آیه ۹۰

۲۹ . فتوح ابن اعثم، ج ۴، ص ۲۹۲



معاویه، خیانتی آشکار به تمام اصول انسانی و اسلامی بود و به وضوح نشان داد که هیچ‌گونه تعهدی به صلح‌نامه نداشته است (همان).

## ❖ شواهد تاریخی دال بر کفر معاویه از متون اهل سنت

در متون تاریخی اهل سنت شواهد صریحی وجود دارد که بر کفر معاویه دلالت می‌کند. یکی از این منابع معتبر، کتاب «مروج الذهب» نوشته مسعودی، مورخ مشهور اهل سنت از قرن چهارم هجری است.

## ❖ روایت مغیره بن شعبه و اظهار کفر معاویه:

در این روایت، مطرف بن مغیره نقل می‌کند که پدرش، مغیره بن شعبه، به طور منظم با معاویه همنشینی داشت. یک شب، مغیره به خانه بازگشت در حالی که به شدت در فکر بود. مطرف از پدرش دلیل این نگرانی را جویا شد و مغیره پاسخ داد:

«یا بنی، إنی جنّت من عند أَحَبِّتِ النَّاسِ»

پسرم، من از پیش خبیث‌ترین مردم بازگشته‌ام.

مطرف از او پرسید که چه شده است. مغیره ادامه داد که به معاویه پیشنهاد کرده بود که اکنون که بر خلافت مسلط شده، کمی نرم‌تر با بنی‌هاشم رفتار کند، زیرا آن‌ها از قریش و پسرعموهای او هستند و در این مرحله دیگر تهدیدی برای او محسوب نمی‌شوند. اما پاسخ معاویه نشان‌دهنده نیت واقعی او بود:

«مَلِكٌ أَخُوْتَيْمٍ فَعَدَلُ وَفَعَلَ مَا فَعَلَ، فَوَاللَّهِ مَا عَدَا أَنْ هَلَكَ فَهَلَكَ ذَكَرَهُ، إِلَّا أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ: أَبُو بَكْرٍ، ثُمَّ مَلِكٌ أَخُو عَدِيٍّ، فَاجْتَهَدَ وَشَمَّرَ عَشْرَ سَنِينَ، فَوَاللَّهِ مَا عَدَا أَنْ هَلَكَ فَهَلَكَ ذَكَرَهُ، إِلَّا أَنْ يَقُولَ قَائِلٌ: عَمْرٌ، ثُمَّ مَلِكٌ أَخُوْنَا عَثْمَانَ فَمَلِكٌ رَجُلٌ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ فِي مِثْلِ نَسَبِهِ، فَعَمِلَ مَا عَمِلَ وَعَمِلَ بِهِ فَوَاللَّهِ مَا عَدَا أَنْ هَلَكَ فَهَلَكَ ذَكَرَهُ، وَذَكَرَ مَا فَعَلَ بِهِ».

معاویه به مغیره پاسخ داد که ابوبکر، عمر و عثمان همه حکومت کردند و بعد از مرگشان تنها نامی از آن‌ها باقی مانده است. اما وقتی به پیامبر اسلام ﷺ رسید، گفت:

«وَإِنْ أَخَا هَاشِمٍ يُصْرَحُ بِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ خَمْسَ مَرَاتٍ: أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولٌ

اللّٰهُ، فأی عمل یبقی مع هذا؟ لا أم لك؛ واللّٰهُ ألا دفنا دفنا».

و اما آن برادر هاشمی (اشاره به پیامبر)، نامش پنج بار در روز بر مأذنه‌ها صدا زده می‌شود: «اشهد أن محمداً رسول اللّٰه»، و با این کار چه چیزی از ما باقی می‌ماند؟ به خدا سوگند، من راحت نمی‌شوم تا زمانی که این نام را دفن کنم. این اظهار نظر صریح معاویه، به وضوح نشان‌دهنده دشمنی او با پیامبر اسلام ﷺ و نیت او برای محو نام پیامبر از اسلام است، که به وضوح دال بر کفر او است.

## ❖ جمع‌بندی:

در بررسی نقض صریح پیمان صلح امام حسن (علیه السلام) توسط معاویه و تحلیل بدعت‌های او در دین، شواهد تاریخی معتبر از متون اهل سنت نشان می‌دهد که معاویه نه تنها به تعهدات صلح‌نامه خود پایبند نماند، بلکه به وضوح در تضاد با کتاب خدا و سنت پیامبر ﷺ عمل کرد.

بدعت‌های دینی معاویه:

معاویه در موارد متعددی بدعت‌هایی را در دین اسلام بنیان نهاد که برخی از آن‌ها مستقیماً با احکام فقهی و دینی در تضاد بودند. از جمله این بدعت‌ها، حذف یا آهسته گفتن «بسم اللّٰه الرحمن الرحیم» در نماز بود که بر اساس مخالفت‌های صحابه در مدینه، آشکارا عملی نادرست بود. این بدعت‌ها در فقه اهل سنت تأثیر گذاشت و برخی از پیروان او تا امروز به این شیوه‌ها عمل می‌کنند، در حالی که در فقه شیعه، بر بلند گفتن بسم اللّٰه در نماز تأکید شده است.<sup>۳۰</sup>

### مخالفت با احکام صریح قرآن:

معاویه نه تنها به سنت پیامبر ﷺ عمل نکرد، بلکه به وضوح با احکام صریح قرآن نیز مخالفت کرد. یکی از نمونه‌های این مخالفت، رواج شرب خمر در دربار او بود، که در تضاد آشکار با آیه‌ای از سوره مائده قرار داشت که شراب را به عنوان عملی شیطانی معرفی کرده و مسلمانان را از آن بر حذر می‌دارد.<sup>۳۱</sup>

۳۰ . تهذیب الأحکام، ج ۶، ص ۵۲  
 ۳۱ . سوره مائده: آیه ۹۰

نقض امنیت شیعیان و عموم مردم:

در دوران حکومت معاویه، امنیت شیعیان و حتی عموم مردم به شدت به خطر افتاد. معاویه با پایه‌گذاری سنت سبّ امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) و تحریک جعده بنت اشعث برای قتل امام حسن (علیه السلام)، به وضوح نشان داد که هیچ‌گونه تعهدی به حفظ امنیت اهل بیت پیامبر (علیهم السلام) و پیروانشان ندارد. این اقدامات معاویه، خیانتی آشکار به تعهدات صلح‌نامه بود.<sup>۳۲</sup>

اظهار کفر معاویه:

روایت مغیره بن شعبه در «مروج الذهب» مسعودی به وضوح بیان می‌کند که معاویه نه تنها دشمن پیامبر (علیه السلام) بود، بلکه به صراحت نیت داشت که نام پیامبر را از اسلام محو کند. این اظهار صریح، دلیل آشکاری بر کفر معاویه و دشمنی او با اسلام است.<sup>۳۳</sup>

این شواهد تاریخی از منابع اهل سنت به وضوح نشان می‌دهند که معاویه نه تنها به اصول اسلام پایبند نبود، بلکه به صراحت علیه آن ایستادگی کرد. این شواهد، ادعاهای مربوط به مشروعیت دینی او را بی‌پایه می‌سازند و کفر او را آشکار می‌کنند.

## ❖ كتابنامه:

قرآن كريم

ابن اثير، عزالدين على بن محمد (م١٩٩٥م)، أسد الغابة في معرفة الصحابة، ناشر: دارالفكر، بيروت.

ابن ابى الحديد، عبدالحميد بن هبة الله (م٦٥٦ق)، شرح نهج البلاغه، ناشر: دار احياء التراث العربى، بيروت، الطبعة الأولى.

ابن حجر، احمد بن على عسقلانى (م٨٥٢ق)، تهذيب التهذيب، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.

هيثمى، نورالدين على بن ابى بكر (م٨٠٧ق)، مجمع الزوائد، ناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة الأولى.

ذهبى، شمسالدين محمد بن احمد (م٧٤٨ق)، ميزان الاعتدال، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.

ابن سعد، محمد بن سعد (م٢٣٠ق)، الطبقات الكبرى، ناشر: دار صادر، بيروت، الطبعة الأولى.

حاكم نيشابورى، محمد بن عبدالله (م٤٠٥ق)، المستدرک على الصحيحين، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.

ابن بابويه، محمد بن على (شيخ صدوق) (م٣٨١ق)، علل الشرائع، ناشر: مؤسسة الاعلمى للمطبوعات، بيروت، الطبعة الثانية، ١٩٨٢م.

شيخ مفيد، محمد بن محمد (م١٩٩٣م)، الإرشاد في معرفة حجج الله على العباد، ناشر: كنگره شيخ مفيد، قم.

نصر بن مزاحم، منقذ بن عبدالله (م٢١٢ق)، وقعة الصفين، ناشر: دار الجيل، بيروت، الطبعة الأولى.

ابن عبد ربه الأندلسى، احمد بن محمد (م٣٢٨ق)، العقد الفريد، ناشر: دار الكتب العلمية، بيروت، الطبعة الأولى.

ابن اعثم كوفى، احمد بن اعثم (م٣١٤ق)، فتوح ابن اعثم، ناشر: دار الفكر، بيروت، الطبعة الثانية.



شيخ طوسي، محمد بن حسن (م٤٦٠ق)، تهذيب الأحكام، ناشر: دار الكتب الإسلامية، تهران، الطبعة الأولى.

مسعودي، علي بن حسين (م٣٤٦ق)، مروج الذهب، ناشر: دار الأندلس، بيروت، الطبعة الأولى.

طبري، محمد بن جرير (١٣٨٣ش)، تاريخ طبري (تاريخ الرسل و الملوك)، ترجمه: ابوالقاسم پاينده، ناشر: انتشارات اساطير، تهران.

كليني، محمد بن يعقوب (١٩٨٦م)، الكافي، ناشر: دارالكتب الإسلامية، تهران. مجلسي، محمداقبر (١٩٨٣م)، بحار الأنوار، ناشر: دار إحياء التراث العربي، بيروت.

بلاذري، احمد بن يحيى (١٩٩٦م)، انساب الاشراف، ناشر: دارالفكر، بيروت.